

راهپیمائی توده‌ها

بمناسبت روز جمهوری اسلامی!!

● لیبرالها از چه می‌ترسند
و به چه شیوه‌هایی متوسل
می‌شوند؟

روزنامه میزان ارگان "لیبرالهای" وابسته به جناح بازرگان روز شنبه با نهم فروردین متن سخنرانی مهندس بازرگان را بجا برساند. بسیاری از لیبرالهای دیگر ما هیتاش برای توده‌های زحمتکش میهن ما روشن شده است و طی دورانی که ریاست "دولت موقت" با ملاح انقلاب منتخب "امام" را برعهده داشت، عظیم‌ترین خیانتها را نسبت به انقلاب توده‌های زحمتکش میهن ما نسبت به خلقهای تحت ستم ایران اعمال کرد، کسی که بهتر از این نمی‌توانست منافع آمریکا و سرما به داران وابسته به امپریالیسم را تا مین کند، در سخنرانی خود می‌گوید "اگر آمریکا شیطان کبیر است، شیطان بزرگتر با اکبر هم داریم و آن مارکسیسم است. نه تنها بازرگان و هار و دسته وابسته به نهضت آزادی بلکه دارودسته‌های دیگر لیبرالها از جمله بنی‌مدرحلات خصمانه‌ای را به مارکسیسم

وارگانهای تبلیغاتی جناحهای حاکم تلاش کردند تا وانمود سازند که علت عدم شرکت وسیع توده‌ها اوضاع بد جوی و بارندگی شدید بوده است. لیکن ناآگاهترین توده‌ها نیز بخوبی دریافتند که علت نه در ریزش برف و باران، بلکه در چیز دیگری است. مگر ریزش برف و باران نمیتواند جلوی شرکت توده‌ها را بگیرد؟ چگونه بود که توده‌های ملیونی مردم در زیر باران کلونه شیروهای سرکوبگر رژیم دیکتاتوری شاه بدون اینکه هراسی بدل راه دهند، بدعوت خمینی بی‌خیال با آنها می‌ریختند و با شکره‌ترین تظاهرات و راهپیمائی‌ها را برگزار بقیه در صفحه ۲

روز ۱۲ فروردین ماه بدعوت بنی‌مدر آیت‌الله منتظری، حزب جمهوری اسلامی و سایر ارگانهای دولتی راهپیمائی وحدت "بمناسبت سالروز فراتدوم جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت. تعداد بسیار قلیل شرکت‌کننده در این راهپیمائی‌ها در همه شهرهای ایران برخلاف راهپیمائی‌های قبلی، بی‌انگیز روی برگرداندن توده‌ها از حاکمیتی است که بنام دفاع از "مستضعفان" و "محرمان" نه تنها به خواسته‌های اساسی توده‌ها جا به عمل نپوشانده، بلکه مدام برفشار به آنها افزوده و با سنگین فقر و فلاکت و ممانعت جنگ خانمانسوز را بر کرده آنها نهاده است. هر چند تبلیغات رادیو و تلویزیون

رژیم جمهوری اسلامی در جهت بازسازی صنایع وابسته گام برمیدارد

علیرغم آنکه عناوین صفحات اول و پیراهنیت روزنامه‌های وابسته به دو جناح اصلی هیئت حاکمه به مسائل که ربطی به مشکلات و مسائل اساسی زحمتکشان ندارند و عمدتاً در راستای مغالفت با سیاستهای رقیب جهت گیری کرده‌اند، می‌باشد، اما هر دو جناح در بی اهمیت جلوه دادن اخبار و موضوعاتی که میتواند ذهن زحمتکشان را نسبت به حاکمیت سرمایه‌داران روشن سازد، کاملاً متفق‌الجهت و همسو حرکت کرده و بقیه در صفحه ۱۳

اعتصاب کارگران ایران ناسیونال سر آغاز مبارزه بی امان طبقه کارگر در سال نو

چه کسانی "اسب تروای
امپریالیسم و ضد انقلاب"
هستند؟ (۲) صفحه ۹

- در این شماره:
- جنبش جهانی
 - جنبش کارگری
 - شبکه‌های کوچک و خجاستان
 - از اعلامیه‌ها... کارگران پیشرو

برای گسترش مبارزه ضد امپریالیستی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را به روز مبارزه علیه سرکوب و اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی تبدیل کنیم

بایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان بهاران خجسته باد

بقیه از صفحه ۱

بیکاری، رنج و تلخی زندگی نباشد. زحمتکشان این بهار را نیز گذراندند. گلدان گلی ارزان، با پارچه‌ای نازک و ظرفی خورش، با ماشینی نقل و بشقابی شیرینی و اگر تشنگی با لیفنداش داشته باشند گفت و با زهم‌جوانه‌های امید را در اعماق رنج خواهند پرورد و چنین که بنیاد است میروند تا این با رُمیا زرها ای چنان عظیم را سامان بخشند که برای همیشه اختصار از زمین برخوردار و تمام فصول سال "بهار آزادی" زحمتکشان شود و عید واقعی آنها فرارسد.

و اما امروز در آستانه بهار رسوم و سالی نو، شرایط زندگی توده‌های زحمتکش صدها بار مشقت با رتور و شوارتر از گذشته شده است اکنون در آستانه سال نو، در حالی که سرمایه‌داران و زمینداران، محتکران و مفت خورها، وابستگان و جیره‌خواران رژیم حامی سرمایه‌داران، با بهای فقر و فلاکت توده‌ها برای خود عید می‌گیرند و جشن برپا می‌کنند، در حالی که بر سفره آنها انواع و اقسام غذا، بر سر میزهای پذیرائی شان دهها نوع شیرینی، آجیل و میوه گذاشته شده است، و فرزندان آنها در لباس‌های رنگارنگ و زندگی تجملی خودخشنود می‌فرروشند، کارگران، دهقانان و زحمتکشان دیگر میهن ما، که زیر بار گرانی سرسام‌آور و بیکاری، با فقر و فلاکت روزافزونی روبرو هستند حتی قادر نیستند یک دست لباس ارزان قیمت برای فرزندان خردسال خود بخرند و کمی شیرینی و میوه تهیه کنند، سال نو را نه با شادی و سرور بلکه با تلخی ناشی از فقر، مصیبت و تنگدستی، با خشم و نفرت نسبت به نظامی که در یک سوی آن ثروت و خوشبختی و در سوی دیگران، فقر و تهیدستی، قرار دارد، آغاز می‌کنند.

هم‌اکنون در آستانه سال نو نزدیک به چهار میلیون تن از هموطنان زحمتکش ما بیکارند، و زیر بار فقر و گرسنگی، فقر و خانه‌خوابی زندگی آنها در خطر نابودی واقعی است. رشد و بازرگانی‌هاک مشاغل چون دستفروشی، ماشین‌گداشی و سیگار فروشی و... افزایش گداشی و دزدی که اکنون ابعاد وسیعی بخود گرفته است، حکایت از این فقر، و فلاکت دارد.

از سوی دیگر کمبانی و گرانی کالاها و مورد نیاز زحمتکشان برای این فقر و فلاکت افزوده است. در طی همین چند ماه گذشته قیمت پارچه‌ای از کالاهای دوتاسته برابر افزایش یافته و ارزش پول بمیزان حیرت‌آوری کاهش یافته است. اما نه تنها مزد و حقوق زحمتکشان افزایش نیافته، بلکه همان مزد و حقوق اسمی هم با شکل گوناگون کاهش

دستا وردهای انقلاب پای می‌فشرد در یافت که هنوز تا بهار آزادی راهی خونین در پیش است. خلق دلاور کردی سرخترین گل‌های فروریخته بر خاک در بهاری غرقه در خون، یکپارچه مبارزه و مقاومت شد و در برابر تهاجم ضد انقلاب ایستاد و بر آن شد تا از بهاران خونین بگذرد تا بهار آزادی فرارسد.

توده‌های زحمتکش که در آستانه خونین اولین بهار بعد از قیام، حاکمیت را نماند یافته خواست‌های خود می‌پنداشتند، در جریان انقلاب و در فاصله سه بهار، از بهاری تا بهار دیگر تا همین بهار که اکنون در آستانه آتیم برده‌های وهم‌و پندار رالایه‌لایه از چشم برگرفتند و می‌روند تا واقعیت را به تمام می‌دریا بند، توده‌های زحمتکش میهن از واقعیت زندگی و از تجربه‌های غش اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دریا فتند و دم زنون در می‌یابند که این حاکمیت در تدارک تحقق کامل خواست سرمایه‌داران است نه زحمتکشان. سدی است در برابر انقلاب و روزبه‌روز بر شدت سرکوب زحمتکشان و نیروهای رزمنده انقلابی می‌افزاید. زحمتکشان دیدند و سرانجام دریا فتند که چگونه حاکمیت بهار کردستان را به خون کشید. دیدند که چگونه در "قارنا" در "قله‌لاتان"، در "بندر قاش" در شهرها و روستاها حاکم‌های خون‌سراخ انداخت. دیدند که چگونه در ترکمن صحرا، با توب و ناشک و تنگ ارتشی و پاسدار، خانه‌های مردم و دلاوران ترکمن را به آتش و خون کشید و به حمایت از سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ شوراها و ستاد خلق ترکمن را اجنون آسا فروگرفت. دیدند چگونه خلق عرب را دسته‌دسته شکار کرد و به گلوله بست. دیدند چگونه مبارزات کارگران، تحصن‌ها و اعتصابات کارگری را با چوب و چماق و گلوله زیر هجوم گرفت. دیدند چگونه به ضرب شلاق و تحقیر و تکفیر به پایمال کردن حقوق انسانی و سیاسی اجتماعی زنان همت گماشت. دیدند چگونه دستاوردهای انقلاب، شوراها، مطبوعات آزاد و اندیشه آزاد با هزار نیرنگ و ضربه، پنهان و آشکار به بند کشید. دیدند چگونه ستادها و کانون‌های نیروهای انقلابی را در محاصره پاسداران گرفت و رزمندگان فدائی و مجاهد و دیگر مبارزان را روانه زندان‌های جمهوری کرد. دیدند چگونه چماق‌داران و قداره‌بندان جمهوری اسلامی به جان مردم افتادند و دست بردار نیستند! و همچنان می‌بینید که چگونه قانون پشت قانون و لایحه پشت لایحه در حمایت از سرمایه‌داران و جنایتکاران و مزدوران به تصویب می‌رسانند.

اما زحمتکشان که همواره جوانه‌های امید را در خفته‌ترین شرایط تاریخی در اعماق زندگی پرورد، در اندوخته‌های تاریخی خویش چنانکه گران‌ترین رژیم‌های سرمایه‌داری را فروگذاشته‌اند و واژگون کرده‌اند با زهم‌آزبهار طبیعت حتی با دستهای تهی استقبال خواهند کرد. بگذار این بهار هم همچون هزاران بهار بر سفره نوروزی زحمتکشان جز گرسنگی، فقر، بی‌خانمانی، گرانی

بافته است. کارگران که طی چند ماه اخیر به بهانه این جنگ ارتجاعی تحت فشار و استتار شدیدتری قرار گرفته‌اند و هزاره‌ها فشار "لزوم افزایش تولید" مواجه بوده‌اند، و دستمزدها آنها سه بهانه‌های مختلف کاهش یافته است، زیر شدیدترین فشارها قرار دارند و اکنون این رژیم ضد انقلابی سعی دارد دبه‌بها به جنگ آنان را بسدود "پاداش وعیدی و سودویزه" یعنی در حقیقت با کسر بخشی دیگر از دستمزدشان به پیشواز عید بفرستد.

دهقانان نیز که از یکسوی زیر بار سنگینی قروض و دیون خود بهار سباب و مالک، با نگر و بر با خوا قرار دارند، و هنوز هم در زیر یوغستم زمینداران و مالکین و عدم تأمین، حداقل شرایط زندگی بسر می‌برند و بخش از پیش زیر بار گرانی ودهها فشار اقتصادی و اجتماعی دیگر قرار گرفته‌اند.

کسبه و پیشه‌وران، دستفروشان و دهکداران که با سوشی زیر فشار سرکوب دولت و از سوی دیگر فشار سرمایه‌داران، محتکران و تجار دست و پا می‌زنند، زندگی محقرشان در معرض نابودی قرار گرفته است. کارمندان جزء ادارات و موسسات، در شرایطی بسیار سخت‌تر از سال قبل قرار گرفته‌اند آنان با حقوق ناچیز و ناابت خود (البته اگر در شرایط حذف اضافه‌کاری، و سایر کمک هزینه‌ها، کاهش نیافته باشد) با زندگی بسیار دشوار روبرو هستند. و با لایحه مصیبت بار تر از همه شرایط زندگی نزدیک نزدیک دو میلیون آواره جنگی ست که در اثر سیاستهای ضد انقلابی و ارتجاعی دولت ایران و عراق در بدو شهرها شده و در نهایت فقر و مسکنت از حداقل غذا و پوشاک و بهداشت و پیشه‌ها محروم‌اند. جنگی که تاکنون هزاران کشته و زخمی بهار آورده است و در آستانه سال نو، صد‌ها خانواده را در سوگ فرزندان خود غرق نشانده است، جنگی که تمام زندگی و هستی بخشی از زحمتکشان میهن ما را در زیر تلی از خاک مدفون کرده و هزینه کمرشکن آن بدوش توده‌ها افتاده است. و این همه مصیبت و بدبختی برای توده‌های زحمتکش میهن ما شرمه و آرمغان نظام سرمایه‌داری و دولت حامی سرمایه‌داران است. دولتی که بجای پاسخگویی حداقل خواستهای زحمتکشان، به سرکوب، شکجه‌کشتار، ترور، اختناق و زندان متوسل شده است، دولتی که هم‌اکنون صدها تن از فرزندان خلق فدائی، مجاهد و نیروهای انقلابی دیگر را در زندانهای خود ببندد و می‌کشد هر صدای برحق زحمتکشان را در گلو خفه کند.

آری، چنین است وضعیت حاکم‌بهر سال نو، و چنین است که توده‌های مستعبد، محروم و مبارز میهن ما در آستانه عید با دستهای خالی از نان و آزادی و با این همه سرشار از کینه و خشم با استقبال بهاری تازه می‌شایند. بهاری که همچنان از خون دلاوران میهن، از خون رزمندگان کرد، ترک، ترکمن، عرب، بلوچ و فارس و از خون صدها انقلابی، کارگر و دهقان و روشنفکر انقلابی گلگون است.

گزارشی از معدن قلعه زری بیرجند

معدن قلعه زری در جنوب بیرجند در حاشیه کوهزوت قرار دارد. این معدن در حدود ۱۵۰۰ کارگر دارد. محل کار کارگران، تونل‌های طولانی میباشد که حدود ۱۷۰ متر درازا دارد و پیراژکل وانی است. تاکنون ۵۵ نفر از کارگران بر اثر شش‌خشکی در اثر گرد و غبار سنگ‌جان خود را از دست داده‌اند. روسای ز الوصفت معدن، بجای فراهم نمودن وسایل بهداشتی و ایمنی، فقط بدادن مقدار ناچیزی شیرخشک اکتفا میکنند. با این شرایط کار طاقت فرسا، حداکثر دستمزد روزانه ۸۰ تومان میباشد. سرمایه‌داران با استعجاب روحیه معدنچیان قلعه زری، مبالغ هنگفتی سود می‌برند، ولی همیشه بدستمال شیوه‌های گوناگونی هستند که دستمزد اندک کارگران را نیز غارت کنند. در زیر به نمونه‌ای از این شیوه‌های ضدکارگری و مبارزه کارگران با آنها اشاره می‌کنیم:

۱- امداد کارخانه، این مزدوران - سرمایه‌داران، از ۱۲۰۰۰ تومان سود ویژه ای که در سال ۵۸ بهره‌کارگران تعلق میگرفت، فقط ۲۰۰۰ تومان پرداخت نمودند.

۲- اما کارگران برای آنکه بتوانند حق خود را از حلقوم سرمایه‌داران بیرون بکشند، شورای خود را تشکیل دادند و با فشاری و بی‌گیری توانستند حقوق از دست رفته خود را بگیرند.

۳- از آغاز جنگ تاکنون هر ماه یک روز از حقوق کارگران را ستان میکنند، به جنگ زدگان!! کسر میکنند. در مجموع ۶۰۰،۰۰۰ تومان از حقوق کارگران کم کرده‌اند. غریب‌دهای اعتراض سرمایه‌داران قلعه زری بلند شده و می‌برسد که این سولها به جیب چه کسی رفته است و چرا احتک زدگان هنوز آواره و سرگردانند؟

۴- مورد نیاز کارگران بوده است، چندی پیش رئیس معدن قیمت کتند را افزایش داد. او در مقابل خواست برجو کارگران مسی برکا هش قیمت کتند! بسته باد. کارگران که وضرا چنین دیدند مدیر ضدکارگر را بندت جنگ زدند، بطوریکه سرش ۸ بخیه خورد. سرانجام رئیس مس مزدور کارخانه در مقابل میسارزات کارگران عقب نشینی کرده و قیمت کتند را ۲۲ ریال به ۵۰ ریال لکاهش داد.

معدنچیان قلعه زری همانند دیگر کارگران معدن در دسترس، بطوریکه کار میکنند. در اثر شش‌خشکی و غبار معدن در معرض بیماری‌های خطرناک ریه... قرار دارند. همیشه مرکز ورزش در انتظارشان میباشد. کارگران بخاطر خوری و ولع سرمایه‌داران از هیچگونه امکانات بهداشتی و ایمنی برخوردار



جنبش کارگری

نستند. آنان طی مبارزات پیگیر خود به این واقعیت پی برده‌اند که تنها با اتحاد و تشکیل در شورای واقعی خود می‌توانند حقوق خود را از سرمایه‌داران بگیرند.

پیروزی کارگران

کارخانه نیتینگ

کارگران شیفت کارخانه نیتینگ واقع در شهر صنعتی البرز برای دریافت حق شیفت مورد نظر خود پس از یکسارزه پیگیر و تهدید به خوابیدن کار به پیروزی رسیدند.

در پی موفقیت کارگران بخش بسته بندی در تاریخ ۵۹/۱۲/۸ که توانستند ۵٪ حق شیفت مورد نظر خود را در ازای دو شیفت کار دریافت نمایند، کارگران سه شیفتی نیز خواهان اضافه کردن حق شیفت خود شدند. آنها با اعتراض به کم بودن ۱۰٪ خواهان افزایش آن به

۱۵٪ بودند. این مسئله را با شورای کارخانه مطرح میکنند. شورا برای رسیدگی به این مسئله تا چهارشنبه فرصت میخواهد. روز چهارشنبه هیچ خبری نمیشود. در مقابل اعتراض کارگران شورا یک روز دیگر نیز مهلت میخواهد. اما روز پنجشنبه هم خبری نمیشود. کارگران که از این مسئله به خشم آمده بودند اعلام میکنند از روز شنبه در شیفت شب کار نخواهند کرد.

روز شنبه همه کارگران با روحیه‌ای قوی سرکار حاضر شدند. یکی از کارگران میگفت: "اگر اینبار هم شکست بخوریم

دیگری ما حساب نمی‌کنند هر طور شده با بیدار شدنی کرد. ما پیروز می‌شویم اینرانا ریخ‌ما آموخته است. با لاف‌ها پس از درگیریهای مختصر و صحبت‌های مختلف در ساعت یک و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر شورا اعلام میکنند مدیریت با خواست شما موافقت کرد. کارگران که پی برده بودند سرمایه‌داران و عوامل آنها تنها برفشار متحدانه کارگران مجبور به عقب نشینی میشوند پیروز و سرفراز کارخانه را ترک کردند و در بین راه به یکدیگر تبریک میگفتند.

کارگران مبارز نیتینگ یکبار دیگر نشان دادند که چگونه عوامل رژیم جمهوری اسلامی درون کارخانجات را که برای حفظ نظام سرمایه‌داری با تمام قوا میکوشند، با پدیده عقب‌رانند. اتحاد و مبارزه متشکل کارگران سربیسروزی است. بکوشیم تا با ایجاد تقویت و انقلابی کردن شوراها مبارزه را هر چه بیشتر به پیش ببریم.

اخباری از شهردگان

جنگ دست‌آویزی برای استثمار بیشتر کارگران و زحمتکشان

شهرداری شادگان حدود ۲۵ تن از کارگران شهرداری آباد را بوعر مشهور راجهت نظامت خیا با آنها، فاضل آنها، بردن زیاله‌ها و... بطور موقت بکار گمارده است. این کارگران همگی از زحمتکشان عرب هستند. اکثر آنان در چادر و در وضعیت بسیار سختی زندگی میکنند و از ابتدائی ترین امکانات زندگی محروم‌اند. برخی از کارگران در روستا زندگی میکنند و برای رسیدن به محل کارشان ناچارند ساعت ۵ صبح از خانه خارج شوند. پس از کار سخت روزانه با پدیدرف‌های مختلف برای گرفتن نان و نعت و... بايستند. بخاطر مزد ناچیزی که دارند، در ازای برخی مواد غذایی چون برنج که با سهم جنگ زدگان تقسیم میشود از آنان پول میگیرند. کارگران با حقوق ناچیزشان قادر به تأمین خود و خانواده‌شان نیستند. کارگری میگفت: "روغن و شکر و تاپد... کم شده و تا جرها همه‌اش روقا پیم کردن تا گرانتر بفروشد، شکر کیلوئی ۱۵ تومان، روغن کیلوئی ۱۵ تومان و همینطور با لامیرود، اینها همه‌اش به بنفع مقامات و گردن کلفتهاست. فقط بدبختی برای ما کارگران میماند." حال با پیدار رژیم جمهوری اسلامی پرسید پول و وسائلی که با سهم جنگ زدگان جمع میشود، و بکرو حقوق کارگران که در لاکتر کارخانجات کسر شده است بکجا میرود؟! *

گروه ۲۲۵ طرح گسترش مسئول ساختن دوسالین برای تربیت بدنی بقیه در صفحه ۴

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه‌ها برچیده شود

سرکوب خونین کارگران

بقیه از صفحه ۱

علیه دونفر از مدیران جدید که یکی به سمت مدیریت تولید دیگری به سمت رئیس کارگری انتخاب شده بودند آغاز شد. کارگران به انتخاب ابسن دونفرا اعتراض داشتند. زیرا کارگران به ما هیت فدکا رگری این افراد بی برده بودند مدیرعامل گروه آذریین "کام خوش" یکی از مدیران مکتبی است که اینک جایگزین مدیران لیبرال قبلی گروه شده اند و دستور می دهد که سایر شرکت های گروه از خرید و فروش با شرکت چرم رخشان خودداری کنند. او با صلاح شرکت چرم رخشان را معارضه اقتصادی می کند. اما سایر شرکتها از جمله شرکت یونایتد تحت رهبری شورا به خرید و فروش با شرکت چرم رخشان ادامه می دهد بدین ترتیب اتحادشوراها مدیرعامل را تا کام گذاشت. او دستور قطع پرداخت حقوق ما ها نه کارگران را صادر کرد اما ما مبارزات متحد و یکپارچه کارگران با هدایت شوراها مدیرعامل را وادار به عقب نشینی کرد. کارگران دزادامه مبارزات خودخواهان پرداخت سود ویژه وعیدی و پاداش بودند.

ادامه مبارزات کارگران و سرکوب خونین رژیم جمهوری اسلامی

شورای مرکزی گروه ۲ ماهه و ۲۰ روز سود ویژه را برای کلیه کارگران تصویب کرده بود. کارگران تمام شرکتها خواهان پرداخت سود ویژه به میزان ۲ ماهه و ۲۰ روز بدون لغو مزایا و... بودند. کارگران چرم رخشان در ادامه مبارزات خود، نما بیندگان شورا را جهت مذاکره نزد مدیرعامل می فرستادند. مدیرعامل گروه حاضر به پرداخت یکما حقوق بدون

هیچگونه پاداش و مزایا می شود. کارگران از تصمیم هیئت مدیره به ختم آمده با مدیرعامل درگیری می شوند. در پی این جریان ۲ نفر از نما بیندگان شورا دستگیر می شوند. سایر نما بیندگان شورای مرکزی از نما بیندگان زندانی حمایت می کنند. بدستور هیئت مدیره ۲ نفر دیگر از نما بیندگان شورا دستگیر می گردند. مبارزات کارگران با شرکتها به شکل اعتصاب و جلوگیری از خروج تولید آغاز می شود.

حدود ۶۰۰۰ نفر از کارگران در محوطه کارخانه دست به راهپیمایی می زنند. آنها خواهان آزادی نما بیندگان زندانی خود می شوند. کارگران سپس با جلوگیری از خروج ۵ نفر از اعضای هیئت مدیره دست به تجمعی می زنند. نیمه شب چهارشنبه ۵۹/۱۲/۱۳ پاسداران سرمایه به محاصره کارخانه، پرتاب گاز اشک آور به داخل سالن تجمع کارگران، قصد متفرق کردن کارگران را داشتند. کارگران متحداً مقاومت می کنند. پاسداران سپس متوسل به تیراندازی به سوی کارگران می گردند. ضرب و شتم کارگران آغاز می شود. در این درگیری عده ای از کارگران زخمی و عده ای دیگر نیز دستگیر می شوند. از روز شنبه ۵۹/۱۲/۱۶ کارگران به اعتراض علیه این حمله وحشیانه پاسداران برخاستند. مبارزات کارگران به شکل اعتصاب، جلوگیری از خروج تولید و کم کاری ادامه داشت. روز دوشنبه کارگران موفق می شوند بخشی از سود ویژه را از جنگ مدیران و دولت حامی آنها در آورند. اما کارگران به مبارزات خود تاهائی نما بیندگان زندانی ادامه خواهند داد. رژیم جمهوری اسلامی می بیند ار که با دستگیری چند نما بینده و سرکوب کارگران قادر خواهد بود صف متحد کارگران را درهم شکند. اما غافل از اینکه کارگران کفش ملی دارای سابق درخشانی در مبارزات کارگری هستند. آنها حتی

در سالهای سیاه دیکتاتوری شاه، به ویژه در سالهای ۵۰ و ۵۲ اعتبارات گسترده ای داشتند. اعتبار ۵۰ ساله نزدیک بود دو ماه طول کشید و اعتبار ۵۲ بطور وحشیانه ای سرکوب شد. اما همین کارگران بودند که رژیم منصور پهلوی را به زباله دانی تاریخ فرستادند. سرکوب خونین کارگران کفش ملی در روز چهارشنبه ۵۹/۱۲/۱۳ خاطره سرکوب وحشیانه رژیم را در ذهن کارگران رنده می کند.

آنها اینک شاه و در شرکتگی و سیاسی اعتباری سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی هستند. رژیم که در اروپا روری بسیار بوده های پیدا کرده کارگران چاره ای جز سرکوب نمی بیند. اما اگر رژیم منصور شاه نتوانست با سرکوب کارگران پایداری بماند، رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهد توانست. کارگران مبارز کفش ملی اینک با پیدای اتحاد یکپارچه خود مبارزه را برای آزادی نما بیندگان زندانی به پیش برند. آنها با پایداری حفظ و تقویت شولهای خویش در تقویت شورای مرکزی گروه بکوشند، تا بتوانند با هدایت شکل های انقلابی خویش نما بیندگان خود را از زندان رژیم جمهوری اسلامی آزاد سازند.

جنگ دستاویزی برای...

بقیه از صفحه ۲

شادگان میباشد. این گروه ۳۰ کارگر استخدا م کرده است که اکثر آنان روستائی جنگ زده یا دانش آموزند. به از ۸ ساعت کار روزانه ۸۰ تومان حقوق میگیرند. در تاریخ ۵۹/۱۲/۴ مهندس غفوری بیما نکا رگروه کارگران می خواهد که بدلیل شرایط جنگی روزی دوتا ساعت اضافه کار کنند. کارگران میگویند: "ما اکثر روستائی هستیم و نمیتوانیم یا زده ساعت کار کنیم، بهتر است برای سرعت کار کارگران بیشتری استخدا م کنید." حاضر به اضافه کاری نمیشوند. مشا جره بین آنان و بیما نکا با لامیگیرند، مهندس غفوری میگوید: "کارگر جنگ زده و بیما را نقد رزیساد است که اگر قبول نکنید، از آنها بجای شما استخدا م میکنیم." حکم اخراج پانزده تن از کارگران معترض را میدهد. کارگران که اعتراضان را به شرح میدادند از او به فرمانداری شهر شکایت میکنند. فرماندار ضمن حمایت از غفوری میگوید: "ما در حال جنگ هستیم و کسی حق کار شکنی ندارد." و به کارفرما پیشنهاد میکنند که بجای پانزده تن کارگران خرا جی، کارگران دیگری استخدا م کند. بیما نکا رگروه از حمایت فرماندار شهر برخوردار میشود با کمال بیشرمی با چاقوبه کارگران حمله ور میشود. کارگران در جریان این قضیه یکبار دیگری بر دنده کارکنانهای دولتی حافظ منافع سرمایه داران هستند که کارگران آنها بی می برند که جنگ وسیله ایست که سرمایه داران و دولت حامی آنان برای استعمار بیشتر و سرکوب کارگران از آن استفاده میکنند.

دیروز سرکوب زحمتکشان شرکت واحد امروز سرکوب خونین کارگران کفش ملی

کارگران و زحمتکشان مبارز

کارگران کفش ملی در روز ۵۹/۱۲/۱۳ در اعتراض به دستگیری عده ای از نما بیندگان شورا و مقدار وعیدی و پاداش دست به تحصن میزنند، نیمه های شب پاسداران سرمایه با محاصره کارخانه، پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی تجمع کارگران را بخون میکشند. آنها با ضرب و شتم وحشیانه کارگران عده ای را مجروح و تعدادی را نیز دستگیر میکنند. در شرایطی که فشار رنائی ازگرنائی، کمبود، بیکاری و... کم کار کارگران و زحمتکشان را خم کرده است، رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب خونین کارگران کفش ملی، یکبار دیگر حمایت بیدریغ خود را از سرمایه داران نشان داد. با تمام قوا به مقابله با اقدامات سرکوبگرانه رژیم برخاستند و متحد و متشکل مبارزه را برای کسب حقوق خود را گسترش دهیم.

پرتوان باد مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



هرچه زودتر پرداخت باید گردد.

این کارگران در رابطه با تعیین سود ویژه توسط شوراها در تراکتور دیکری نوشته اند:
تنها شکلهای واقعی کارخانه ها حق دارند مبلغ سود ویژه را تعیین کنند. دولت باید بر اساس تصمیم این نمایندگان واقعی، سود ویژه را در کوتاهترین مدت پرداخت کند.

تهران

کارگران پیشرو صنایع دفاع خرنامه شماره ۹ خود را منتشر کرده اند. در خبری از مهماتسازی آمده است: عین از مستشاران آلمانی به بهانه تکمیل طرحهای نیمه تمام دوهفته قبل به کارخانجات مهماتسازی آمده اند. احیانا لاتفر دیگر نیز بیرونی به این عده می پیوندند. سرپرست صنایع مستشاران آلمانی را شخصی بنام "مرشل" بعهد داده. وی در زمان شاه خائن نیز سرپرست مستشاران آلمانی مهماتسازی بود.

"بیرونی در مبارزه است" نام اعلامیه‌ای است که کارگران پیشرو با فکر منتشر کرده اند. در این اعلامیه پس از شرح مبارزاتشان که طی آن توانسته‌اند ماهه سود ویژه را رودرآورد نمودند، می نویسند: "اما ما میدانیم که نه لطف مدیر عامل و نه فعالیت شورای تارکها و دیگر کارخانجات در این کارخانه و سایر کارخانجات موجب شد که ماهه سود ویژه پرداخت شود. تازه در کارخانجاتی که کارگران مبارز پیشرو کردند و شوراها و واقعی خود را داشته‌اند، سود ویژه‌ای معادل سه ماهه و گاهی حتی تا چهار ماهه دریافت کرده‌اند. مثلاً در کارخانهای سیمانی، سیمان تهران، کارخانجات صنعتی توران، یاری الکتریک، فیلور و صنعتی دیگرا و کارخانجات بالابراز سه ماهه بوده است. و در بسیاری می‌فزایند: "بس نکوشیم؛ با سوخود آوردن شورای واقعی که از منافع محامیان کند از حقوق جود در مقابل مدیران و سرمایه داران دفاع کنیم."

کارگران پیشرو و شوکو مارس در قسمتی از اعلامیه خود با عنوان "سود ویژه که قسمتی از دستمزدهاست پرداخت باید کرد" گفته اند: "هر روز که میگذرد روشن میشود که دولت جمهوری اسلامی از منافع سرمایه داران دفاع میکند. ما تنها با مبارزه و اتحاد دیگران، خود میتوانیم دولت سرمایه داران را برانند و در آوریم. و در بخش دیگری می نویسد: نماینده شورا در مجمع عمومی گذشته اعتراف کرد که سود ماه سال از سود هر یک از سالهای ۵۶-۵۷-۵۸ بیشتر شود. بقید در صفحه ۶



از: اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات

کارگران پیشرو

تبصیر

کارگران پیشرو سرگز در رابطه با مسئله اخراج سودمین اعلامیه خود را با عنوان "مسئله اخراج سود و منوع ما" منتشر نموده‌اند. در این اعلامیه ضمن اشاره اخراج کارگران انقلابی و بارگردانیدن عده‌ای از آنان به هیئت بوده کارگران در همه وجه‌های زیر را ارائه داده‌اند:

خواست مدکارگری مقاومت کسریه و یکدار بکه انقلابیون اخراجی را از خانه‌های سازمانی بیرون کنند. ما ضمن محکوم کردن این عمل جوارهان تحلیله خانه‌های سازمانی را با واکنشها و افراد مدکارگری و آن عده که دارای جاه شخصی می‌باشد محکوم می‌کنیم.

اصفهان

کارگران پیشرو ذوب آهنی در اعلامیه‌ای تحت عنوان "شوراهای واقعی سبکر چمنگشان" شوراهای مورد انتقاد کارگران صنعتی سرمرودن سخنان مدسورانی بی‌عقل، احمقانه و زوربرسان را در مورد منافع فولاد، مدیریت و اتحادیه انجمنهای اسلامی که همه از غیرت با بی بودن شوراهای سرگرد می‌نویسند. ما می‌گوییم: شوراهای احزاب عملی و همسنگی کارگران بر علیه سرمایه دارانند. چون شوراهای سرمایه داران در اول تصادف، جویشوراهای واقعی سبکر کارگران و زحمتکشان سرنگند سرمایه داران و دولت حامی آن‌هاست. بس تا نویسند. و فقط این تا بی مفیدی است که جاری می‌گردد. کارگران و زحمتکشان باید و در پایان اعلامیه آمده است:

"نکوسم با طرد مناسبت سازمان و عواطل واسه به مدد و اتحادیه انجمنهای اسلامی نباید که زوایع جود را انتخاب و شوراهای واقعی خود را برپا کنیم."

اراک

کارگران هوا دار سازمان در تراکتی می‌نویسند: سود ویژه یعنی ویادای خنده خاکشسته نیست. کسی آرد دردی ما ندارد سرمایه داران آرد می‌بردند کارگران است.

- ۱- با آگاهی بدین مسئله که بدون حواس بوده‌های کارگران کم است اخراجیون انقلابی تر می‌کنیم با بدستگیر شدن آنان بازگشت عقبه اخراجیهای انقلابی تلاش می‌کنیم.
- ۲- باید از سیاستهای ضد کارکنان حاکمیت که در این اعلامیه با بارگرداندن سارقان و افراد مدکارگری است جلوگیری می‌کنیم.
- ۳- حقوق نمایندگان انقلابی کارگران انقلابی به حدی آسان است که از آن‌ها نمی‌توانند کارخانجات را بازگشت آن‌ها بکنند کارخانجات خود را می‌نویسند. باید پرداخت کرد.
- ۴- سازگاریها و مددبران نامسلو که با آنها می‌نماید و حقوق و جرایم رایجی که می‌گیرند، باید از منافع سود جودهای کلاسی برای اعمال خود کارکنی خود کفر نماید تا با حقوق برای آنان معلوم دریافت کنند.
- ۵- کارگران انقلابی که کارخانجات دیگر مسئول شده و با بهای با سرمایه داران می‌نویسند که با این معنی در این کشور منتشر شده‌اند و پرداخت کرده می‌نویسند.
- ۶- قسمت بزرگی از این اعلامیه در ایران و در آستانه مبارزه با سرمایه داران و زورجویان است که با منافع ما نیست. مسوولیت تمام است که ما در آنجا به کارگران مبارز را به پیوستن به خطبه کسبه، ما باید در نهایت

برای مقابله با نوطه‌های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)
هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم



۲- وضع شورا و انجمن اسلامی کارخانه
اگر وجود دارد... و مختصری از حرکت
گذشته آنها تا امروز.

رفیق کارگری نامه ای خطاب به
"اکثریت" نوشته و خواستار درج آن
در "کار" گردیده است. در این نامه
ضمن افتخار "خیانت آنها به گذشته پسر
افتخار" رزمنده و خوبین سازمان
چریکهای فدایی خلق ایران و اینکه
اکنون همان راه حزب توده، خائن و
سازشکار را پیش گرفته اند، "راهی
که فدایی خلق در مبارزه با آنها
بوجود آمد"، به سیاستهای کارگری
آنها نیز برخورد شده است. رفیق
کارگرمان که با پوست و گوشت خود دچار
ضدکارگری، افزایش تولیدمسئار
کارگران، اخلال در تولیدمسئار
سرمایه داران، "اکثریت" را درک -
میکنند، آنرا خدمت بزرگی به سرمایه
داران دانسته است. ضمن درج قسمتی
از این نامه لازم است اضافه کنیم که تنها
اخبار مبارزاتی کارگران، مندرج در
شریبه کارنیستانان میدهد که چگونه این
شعار مورد اعتراض بخش عظیمی از
کارگران قرار گرفته و آنها خود بهترین از
هر کسی تشخیص داده اند که این شعار تلبه
منافع آنان و شعار سرمایه داران است.
رفیق کارگر در قلمنتی از نامه خود چنین
می نویسد:

اصلاً من که کارگر می گویم شما
همی دانید فدائی یعنی چه فدائی یعنی
با مردم زخمی کشی یعنی بودن و توهم و
بدبختی یا آسان شریک بودن فدائی
یعنی نه توده درسی دادن بخاطر رسیدن
دادن و بهتر زینت و ازین بدبختی رها

از کلبه کارگران ایران میخواهیم
که همچون غیرنکاران کارگری در نامه -
های خود حتی جزئی ترین مسائل و
مشکلات مبارزاتی از جمله شکلگیری
شوراها و برکزاری مجمع های عمودی و...
بعلاوه خواستها، نظریات و احکامات
کارگران در مورد مسائل گوناگون جامعه
و کارخانه، همچنین ستمها نیکه به آنها
روا می شود برای ما بفرستند.
برای ما بویسد که کارگران چگونه
در برخورد با مسائل گوناگونی به
ماهیت دشمنانشان برده و به صفوف
کارگران آگاه و پیشرو می پیوندند.
بهمراه اینها ملماً توضیح مزارع
زیور در نامه های شما از اهمیت ریاستی
برجوردار خواهد بود.
۱- وضع مالکیت کارخانه - دولتی یا
خصوصی - نام صاحب کارخانه یکتا
مدیر.
۲- نوع تولید کارخانه و حدود میزان
آن - تعداد کارگران مردوزن.

از اعلامیه ها...

است. یعنی با یک حساب ساده بنظر
میرسد امسال با بستن سود بیشتر
بگیریم. در حالیکه سال گذشته سه ماه
سود و یک ماه عیدی گرفتیم. امسال سود
و عیدی را به دو ماه کاهش داده اند.

"دوماه پاداش و عیدی که قسمتی از
دستمزد است، پرداخت باید کرد."
کارگران پیشرو شهرک اکباتان در
اعلامیه ای با این نام خطاب به
"دوستان کارگر" خود مینویسند:
"در این شرایط کدامیک از ما که از پیشرو
وده خود در سال کار آواره شدو... در
بدترین وضعیت زندگی در بلوک های
جوسی و سمائی دور از زن و بچه خود
زندگی میکنیم. میوایم با این
حقوق ناچیز زندگی خود ما بخواهیم
رایا مگر کنیم. و در ادامه میسوا
آزاده است که پاداش جزئی از حقوق
کارگران است. منکوسند: "حاصل
حکوه است که دولت جمهوری اسلامی
که آرام ما با مایوق و کرنا سنگ
مستضعفین را دستینه میرند. در
کارخانه سود ویژه را قطع کرده و در
شهرک های باجتماعی نظیر اکباتان

شدن. اما من جونم و هستی مرا برای
سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق
می دهم و در این راه فدائی فدائی خلق
می شوم و سوگند میدهم که هرگز فدائی
همیشه پایدار راه فدائی همیشه رنده و
راه فدائی همیشه پیروز است و شما که
خودتان را رهبر سازمان فدائی خلق
اکثریت جا زدید با این شعارتان که کار
بیشتر شعار کارگران و کارکنان
سرمایه داران. آقای اکثریت کدام
سرمایه دار بیشتر دلش برای کارگر
سوخت گفت شما همان مؤذرا بگریختن
کارکنان شما با این شعارتان امتیاز
بزرگی به سرمایه داران دادید و
حیث گشتان را بر می کنید.

یک کارگر می نویسد: «دانشگاه یعنی چه دانشگاه یعنی با مردم
نه گفتن که مردم را فریب میدهند با اینها شرکت میکنند و از اینها
در میدان باطنی و در اینها شرکت میکنند و از اینها...
و دستمزد را در حدی که میخواهند بپردازند و از اینها...
فدائی خلق و فدائی خلق یعنی مردم و فدائی خلق یعنی مردم که راه فدائی خلق
پایدار و در اینها شرکت میکنند و از اینها...
بهره برداران را در هر ساله از اینها شرکت میکنند و از اینها...
که در اینها شرکت میکنند و از اینها...
تمام سرمایه داران را در اینها شرکت میکنند و از اینها...
بگریختن کارکنان شما با این شعارتان امتیاز بزرگی به سرمایه داران
دید گشتان را بر می کنید»

ما هیبت سرمایه داران
و عوام فریبی او را نسبت به حمایت از
با صلاح مستضعفین نشان میدهند.
کارگران پیشرو نیز در اعلامیه
دیگر خود بنام سود ویژه حجت و حرا
دولت جمهوری اسلامی آرا فرمودند:
ضمن بوسنج و افشای ماهیت قانون سود
و نژده گفتند:
"هنه ما با خود سودیم که دولت سرمایه
داری شاه برای سلبید اسم کارگران
بجای افزایش دستمزد، قانون سود
ویژه را بچوری که خود می خواهد
اجرا کند و امروز ما به دولت
جمهوری اسلامی سرمایه داری دروس -
دیگری متوسل شده و برای کسب
رضایت سرمایه داران و نه مستضعفین
مقابلت با کسری خود کرده اند. بی از نظام
سرمایه داری است و شروع جنگ
افزایش با قعد، بدحقوق ناچیز ما
بجوری می آزد و بدستهای خرام و
ظلم غوی می شود سود ویژه و دستمزد
اصحاحی، جنگ و خواران شما
دیگران، دادن حقوق ما جلوه گیری
می کند. و سن می آزد...
مصدقیم از طریق ما صدکسان
زادعی خود سود ویژه آنگه قسمتی از
دستمزد ما است دریافت کنیم."

میخواهد همان سند را در زمان شاد را
بعنوان پاداش بمانده دهد. و در بیان
می افزایند:

"دوماه پاداش و عیدی حق مسلم ما
کارگران است."

قانون

کارگران پیشرو نیز در این ماه
نوع اعلامیه در رابطه با مسئله سود ویژه
منتشر نموده اند. در یکی از آنها
نعت عنوان لغو سود ویژه: "شمارت
دستمزد کارگران توسط سرمایه داران
ورژیم جمهوری اسلامی آمده است:
"هرساله ۸۰۰ هزار کارگر حدود ۴/۵
ماه از دستمزد سالانه خود را بحسب
عنوان سود ویژه و عیدی از سرمایه
داران می گرفتند. اما امسال طبق
تصویب شورای انقلاب سود ویژه لغو
و بجای آن دوماه عیدی به کارگران عیدی
میکردند. این رقم نسبت به ۴/۵ ماه
سود ویژه ۲/۵ ماه کم شده است. اکبر
حقوق متوسط هر کارگر از هزار تومان
در ماه در نظر بگیریم، بطور متوسط هر
کارگر در سال ۱۵۰۰ تومان دستمزد
کسب گردیده که برای ۸۰۰ هزار کارگر
یعنی سرمایه ۶۴۰۰۰۰۰۰۰ تومان میشود
در واقع این بوری رزم غریب
اسلامی بدبختی ما رحمتکسان سرمایه

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



مبارزات کارگران جهت کسب سود ویژه اوجی نوین در مبارزات طبقه کارگر ایران

بحران حاکم بر جامعه روز بروز شدیدتر می شود. جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق نیز از این بخت ران را در من میزند. رژیم جمهوری اسلامی که حاکم منافع سرما به داران و زمینداران است سعی می کند با رایب بحران را هر چه بیشتر بدوش کارگران و زحمتکشان بپندارد. بهمین دلیل است که توده ها روز بروز بیشتر تحت فشار کمتر شدن زندگی قرار می گیرند. گرانی و تورم بیداد میکند. دستمزدها چیز زحمتکشان دیگر حتی کفاف حداقل زندگی آنها را نمی کند. در این شرایط توده کارگران و زحمتکشان نسبت به حاکمیت بسیار سربرخاسته از قبل فرو می ریزد. کارگران اینک در مقابل بیورش روز افزون سرما به داران به حقوق اولیه خود، مبارزات خود را روز بروز عمق و وسعت می بخشند. آنها در این راه از تجربیات کارکنان سابق که از قیام تا کنون آموخته اند بیشترین استفاده را می کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که به مبارزات اوجگیرنده کارگران رو بر صورت چون دیگر عوامل فزاینده ای خود را بی اثرتر می بیند سیاست سرکوب خود را شدت بخشیده است. سرکوب کارگران شرکت واحد و سرکوب خونین کارگران کفش ملی بار دیگر حاکمیت بیدریغ رژیم از سرما به داران را نشان داد و چهره کریه و سرکوبگر حاکمیت را بیش از پیش برای کارگران روشن نمود.

امانه عوام فزاینده و نه سرکوب هیچکدام قادر نیست جلورشده مبارزات کارگران قهرمانان ایران را بگیرد. اینک بیش از دو ماه است که موج اعتراضات و اعتصابات وسیعی بر اه افتاده است که محور عمده این مبارزات کارگران کسب سود ویژه، عیدی و پاداش می باشد. نمونه های بسیاری از مبارزه پیگیر کارگران در جهت دستیابی به این خواسته های برحق در دست است.

اعتصابات در کارخانجات رنو، پارس متال، ایران الکتریک و جم... نمونه هایی از این مبارزات گسترده برای سود ویژه، عیدی و پاداش می باشد. در کارخانه رنو از روز شنبه ۱۶/۱۲ - کارگران بمدت دو روز دست از کمپسار کشیدند. آنها در مقابل قول مدیرعامل مبنی بر پرداخت سود ویژه تا چهارشنبه بسرکارها زدگشتند. روز چهارشنبه مدیرعامل از پرداخت سود خودداری میکند. کارگران دو روز دست به کم کاری زد و تولید کارخانه را از ۲۰۰ دستگاه به ۲۰ دستگاه میرسانند. مبارزه با لایحه مدیر را به عقب نشینی وادار ساخته و کارگران موفق به دریافت دو ماه سود ویژه میگردند.

در کارخانه پارس متال روز چهارشنبه ۲۲/۲ کارگران بغا طرد ریافت حقوق عقب افتاده خویش بمدت یک ساعت ونیم دست به اعتصاب میزنند. آنان در همان روز موفق به دریافت حقوق میشوند. در ادامه مبارزه روز شنبه ۱۶/۲ برای عیدی و پاداش مجددا بمدت دوساعت

اعتصاب میکنند. مدیرعامل قول میدهد که تا دو هفته خواست کارگران را بر آورده کند. کارگران همچنان مصمم هستند تا رسیدن به خواست برحقشان به مبارزه ادامه دهند.

در کارخانه ایران الکتریک نیز کارگران برای سود ویژه دو روز اعتصاب می نمایند. آنان در مقابل توطئه های مدیریت و انجمن اسلامی تا کنون یکپارچه ایستادگی نموده اند. آنها مبارزه را پیگیر تا رسیدن به حقوق خود ادامه میدهند.

در کارخانه جم روز چهارشنبه ۱۷/۱۲ کارگران بکروز دست به اعتصاب میزنند آنها برای بدست آوردن سود ویژه نمایندگانی به وزارت کار می فرستند. وزارت کار به آنها جواب سربالا داده و کارگران بار دیگر دفاع وزارت کار را از سرما به داران به عینه می بینند. آنها عمل مستقیم و انقلابی خویش را یکا نه راه رسیدن به خواسته هایشان دانسته و به مبارزه ادامه میدهند.

در کارخانه باطری سازی کارگران در ادامه مبارزاتشان و پس از بی جواب گذاشتن خواسته هایشان، به اقدام انقلابی روی آورده و جلوی خروج تولید را میگیرند. آنها موفق میگردند به بخشی از سود ویژه مورد درخواست خود دست یابند.

در کارخانجات تبریز از جمله ما شین سازی، لیفت تراک و کمپیدور نیز کارگران خواهان سود ویژه و عیدی و پاداش میباشند. کارگران مبارز کمپیدور در اعتراض به سود ویژه و طرح طبقه بندی و با شعار "سود ویژه پرداخت بپادگردد" دست به اعتصاب میزنند. مبارزه آنان همچنان ادامه دارد.

کارگران مبارز ما شین سازی نیز به میزان سود ویژه معترض میباشند. آنها به نقش و اهمیت شوراهای برده اند. کارگران میگویند: شورای انقلابی ما در سال گذشته مدیریت را وادار کرد که بودجه حداقل به هر کارگر ۱۱ هزار تومان پرداخت کند. آنان مبارزاتشان را برای کسب خواسته هایشان ادامه میدهند. مبارزات و اعتراضات در سایر کارخانجات نیز همچنان ادامه دارد.

از جمله کارگران در کارخانه آرد، د اوبخش و داروگر کارگران به میزان سود پرداختی معترض هستند. آنها ضمن مبارزات خویش به ضرورت تشکیل شوراهای نقش آن در تامین منافعشان پی برده اند.

کارگران برق، توانبروشهرک اکباتان نیز خواهان دو ماه عیدی و پاداش هستند. کارگران قسمت نوسازی و نقلیه برق مرکزی دست به اعتصاب بکروزه میزنند. مبارزات کارگران هنوز ادامه دارد.

در کارخانه چیت تهران (با فکار) کارگران خواهان سود ویژه بودند. پس از مدتی که از سود خبری نمیشد زمزمه اعتصاب بالا گرفته و کارگران به شمار نویسی در این رابطه میپرداختند آنها از تجارب اعتصابات قبلی بیگانه نمیگردند. میتوانند مدیرعامل در مقابل کارگران وحشت زده عقب نشینی کرده و دو ماه سود ویژه به کارگران پرداخت میشود.

مبارزات کارگران ارج و پارس الکتریک در ادامه خود متوجه عقب نشینی مدیران میگردد. آنها دو ماه دیگر نیز سود ویژه حق مسلم خویش را دریافت میدارند.

در کارخانجات بوتان و سیمان کارگران با هدایت شوراهای مبارزه پیگیر خود موفق میگردند بیش از سه ماه سود ویژه از چنگ سرما به داران بیرون کشند. این پیروزی نتیجه مبارزه متحدانه کارگران و تشکیل آنان در شوراهایشان است.

مبارزات گسترده کارگران فیلیور و پلدستی را نیز سرما به داران را به زانو در آورده و آنها بیش از چهار ماه سود ویژه را از حلقوم سرما به داران در می آورند. کارگران مبارز فیلیور با جلوگیری از خروج تولید بمدت ۲ روز مبارزه متحدانه پیروز مند و پرتشوکی را بنمایش میگذارند.

این مبارزات برای کارگران تجارب گرانبهائی بهمراه دارد. آنها در این مبارزات آبدیده میشوند. فسر میگردند که ستم سرما به داری چیست و با چه وسایلی میتوان با آن مبارزه کرد.

آنان هر چه بیشتر میفهمند که رژیم جمهوری اسلامی با سادار منافع سرما به داران است. کارگران درمی یابند که تنها راه بهبود شرایط زندگی شان را باید در عمل مستقیم و انقلابی خود جستجو کنند. آنها هر چه بیشتر به ضرورت اتحاد، یکپارچگی و تشکیل در شوراهای انقلابی برای پیشبرد مبارزه انقلابی خویش آشنا میگردند. مبارزات آنان منجر به توسعه حس اتحاد و همبستگی بین طبقه کارگر خواهد گردید. کارگران قهرمان در مبارزات اخیر خود اشکال نویسی از وحدت و یکپارچگی پرولتاریا را به نمایش نهادند. و میتوان گفت طبقه های مبارزات یکپارچه و سرسری طبقه کارگر ایران بیش از پیش آشکار گشته است.

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد

نفتگران تهران میگویند: بساط تعاونی اعتبار باید به نفع تعاونی مصرف برچیده شود

درست کردن تعاونی اعتبار در واقع اقدامی بود در جهت کوتاه کردن دست کارگران و معاندان آنها از تعاونی مصرف. کارگران پس از مبارزات زیاد موفق شده بودند تا وقتی مصرف را تشکیل داده و توسط نمایندگان خود آنرا اداره کنند و اجناس را با نظریه صرف واداره ها و دولان و سودجویان بازگشتن به دست کارگران برسانند اما تبدیل تعاونی مصرف به تعاونی اعتبار و کارگران را از دست یابی به مواد مورد نیاز خود با قیمتی به مراتب ارزانتر از قیمت های معمول بازار محروم کرد. تعاونی را از کنترل آنها خارج نمود و دست درازان و سرمایه داران را در چپاول دسترنج کارگران این صنعت بازگذاشت. شورای کارکنان دایره ابزار دقیق پالایشگاه تهران در اطلاعیه ای که به همین منظور منتشر نموده توضیح میدهد که: "با همه تلاشی که بعمل آمد شرکت نفت در آن موقع با انتقال سهام پنج هزار ریالی کارگران از تعاونی مصرف به تعاونی اعتبار عملاً دست کارگران و نمایندگان آنان را از این تعاونی کوتاه کرده و افراد رذل و خائن هم چون "ملک نیا" و "فوتاز" در رأس تعاونی مصرف قرار داد که با چپاول بیش از حد هر کدام میلیونها تومان بجا بزدند. اکنون همانطور که در اطلاعیه این شورا نیز آمده است کارگران خواهان انتقال سهام خود از تعاونی اعتبار به تعاونی مصرف هستند تا بتوانند با انتخاب هیات مدیره تعاونی، از خدا کرامتگاه تعاونی استفاده نمایند.

لازم به تذکر است که: تعاونی مصرف از ابتدا با کمک مالی خود کارگران تشکیل شد و خود نیز آنرا اداره میکردند و اجناس دست اول با قیمت نازل تهیه و مورد استفاده قرار میدادند. بعد از مدتها که تعاونی مصرف دارای نفقات بسیاری شد و کارگران میخواستند آنرا به بهره استفاده نمایند، اولیای امور شرکت نفت که افرادی دزد و بیگانه بودند به فکر افتادند که چگونه این تعاونی مصرف را از دست کارگران بیرون بیاورند، و بنحوی تعاونی را اداره کنند که به سرمایه داری کمک کرده باشند. لذا طرح تعاونی اعتبار ریخته شد. آنها با دادن اعتباری بنا حدود ۲۰۰۰۰ تومان به کارگران آنها را در

کدامیک از دو طرف ضدا میریالیست است؟

کارگران که خواهان شورای کارگری و اداره امور کارخانه توسط شوراهند.	یا	حاکمیت که میگوید سورا بی سورا و فقط انجمن اسلامی؟
دهقانان که خواهان صادره اراضی فتودالها و زمینداران بزرگ اند.	یا	حاکمیت که دهقانان را به حرم ضبط اراضی مالکین به زندان می افکند؟
خلق کرد که برای خود مختاری و رفع ستم ملی مبارزه میکنند.	یا	حاکمیت که خلق کرد را اکتشار و کردستان را بمباران میکند؟
میلیونها کارگر و زحمتکش بیکار که به بیکاری مبارزه میکنند.	یا	حاکمیت که بیکاران را به بیکار مسائل می بندد؟
نیروهای انقلابی و اقشار مختلف خلق که خواهان جامعه دمکراتیک و آزادی بیان و عقیده و مطبوعات هستند.	یا	حاکمیت که به جامعه دمکراتیک اعتقادی ندارد و خواهان اختناق و محو آزادیهای دمکراتیک می باشد؟
نیروهای انقلابی و اقشار مختلف خلق که خواهان محو سیستم سرمایه داری وابسته و در نتیجه محو گرانی، بیکاری، فقر، فساد و... می باشند.	یا	حاکمیت که با حفظ سیستم سرمایه داری وابسته همچنان به افزایش بیکاری، گرانی، فقر... زحمتکشان دامن میزند؟
دانشجویان انقلابی که خواهان بازگشایی دانشگاهها و تبدیل آن به سکروا فعالی هستند.	یا	حاکمیت که خطرهای دانشگاهها را از خطر بازگشایی بیشتر میدانند و مانع بازگشایی دانشگاهها هستند؟
زحمتکشان که حکم را به زبان خود و به نفع امیربانیسم و بورژوازی میدانند.	یا	حاکمیت که به نفع است، جنگ افروزی خود ادامه داده و میگوید جنگ چیز خوبی است؟
صیادان که خواهان کوتاه شدن دست صیادان بزرگ و امحورگر، اردرباها هستند.	یا	حاکمیت که دست صیادان کوچک را از دریاها کوتاه کرده و آنها را به خاک و خون کشید؟
برسنت انقلابی ارتش که خواهان شورای نظامی از انقلابیون ارتش هستند.	یا	حاکمیت که خواهان انقضاء فرماندهی مزدورانی چون فلاحی، طهرانی، برارتن هستند؟
دکهداران که قربانی سیستم سرمایه داری و سیاستهای بورژوازی حاکم شده و برای گذران زندگی به دکهدای کوچک پناه برده اند.	یا	حاکمیت که حافظ سیستم سرمایه داری است و چندین بار دکهدای را از سر راه خراب کرده و آنها را به گلوله بسته است؟
کارگران، کارمندان، معلمین، برسنت انقلابی ارتش... که بحسب سئوالات علیه امیربانیسم اخراج شده اند.	یا	حاکمیت که انقلابیون را اخراج و ایادی را به کارهایشان باز میگرداند؟
زندانیان سیاسی انقلابی که به حرم دفاع از منافع خلق زندانی شده اند.	یا	حاکمیت که مدافعین خلق را زندانی و اعدام می کند؟

ما میگوئیم طرف اول یعنی کارگران، دهقانان، و سایر زحمتکشان و نیروهای خلق است که ضدا میریالیست هستند. حاکمیتی که مبارزه میکند امیربانیسمی نیروهای خلق را به پهنه های گوناگون سرکوب می نماید. سازشکاران که سرکوب کارگران

کارگران پیشرو تبریز

جهت خرید لوازم خانگی کران تیمت تشویق نمودند، که این خود میتواند در جهت فروش هر چه بیشتر اجناس مصرفی ضرب اعتبار باشد. هم اکنون با یستی تمامی اجناس تعاونی اعتبار به تعاونی مصرف

منتقل شده، این دوهرم ادغام شود و تحت نظریات مدیره ی منتخب کارکنان اداره شود. این خواست همه کارکنان صنعت نفت در تهران است. نظر ارتش برید بیست و شماره ۲ تشریح کارگران بهر و صنعت نفت

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضدا میریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



دهقانان باید خودشان دست بکار شوند و زمینهای زمینداران بزرگ را مصادره کنند

حاکمیت را در خود داشته باشد. اما نشانه‌دهنده این نیز هست که با وجودیکه دستور توقف اجرای بند "ج" توسط آیت الله خمینی صادر شده، دهقانان دست از مطالبات خود برنداشته، و قوانین "جمهوری اسلامی" را نمی‌پذیرند. اما آنچه که حاکمیت را بیشتر در فشار قرار داده، نامه نویسی دهقانان نیست. بلکه رشد جنبشهای انقلابی آنان است، که با وجود اعلام "غیر قانونی و غیر شرعی بودن" دست اندازی به مال و زمین دیگران، به مصادره اراضی زمینداران بزرگ شدت بخشیده و در نقاطی نیز به تشکیل و شوراهای واقعی دهقانی پرداخته اند (گزارشات روستائی که در "کار" منتشر میشود، گوشه‌هایی از این مبارزات روبه رشد دهقانان را بازگو می‌کند).

با توقف اجرای بند "ج" تا عمل دیگری نیز در رشد مبارزات دهقانی تا شيرداشته است. مالکانی که اراضی آنها توسط دهقانان مصادره شده بود، وقتی دیدند که حاکمیت بدون هیچگونه برده‌پوشی و بطوری آشکار، از منافع آنها حمایت می‌کند، به روستاها حمله برده و با کمک ایادی خود به تصرف مجدد زمینها پرداخته اند. گسترش این وضعیت، و عکس العملهای تداومی دهقانان در برابر اقدامات این زمینداران و دولت حامی آنها، بحدی بالا گرفته است، که انعکاس آنرا در روزنامه‌های رسمی کشور نیز می‌توان مشاهده کرد. مثلاً اطلاعات تحت عنوان "با توقف بند "ج" توطئه مالکان شدت یافته است" بگونه‌هایی از این نوع دست‌اندازیهای مالکان در بجنورد اشاره می‌کند. یکی از اعضای هیات هفت نفره بجنورد که طرف محاسبه اطلاعات قرار گرفته است می‌گوید: "این مردم (روستا شیمان) می‌خواهد منفرج شود ما در روستا هستیم و کاملاً در جریان قرار داریم". وی در جواب اینکه آیا توقف بند "ج" خطرناک نیست می‌گوید: "بله خطرناک است من فکر می‌کنم کل منطقه شمال خراسان بشمار حساس است چرا ترکمن نشین است مرز است حتی سپاه پاسداران را ترکمنها طبع سلاح کرده بودند که منشا رفتیم آنجا مسائل را تا اندازه‌ای توانستیم حل کنیم و در میان روستائیان نفوذ پیدا کنیم اگر این ساله توقف بند "ج" ادامه پیدا کند صدر در صد دوباره منطقه متشنج می‌شود."

بقیه در صفحه ۱۲

کشاورزی استانها و معاونین وزارت کشاورزی می‌خوانیم که اگر "بلاتکلیفی موجود جریان بیاید نمی‌توان برنا مه‌ریزهای اساسی کشاورزی... اقدام نمود". (جمهوری اسلامی ۲۲ بهمن) برآستی چرا دست‌اندرگساران حکومتی اینگونه متناقض سخن می‌گویند، از پاسخگوشی مشخص به مسائل ظفره می‌روند و همه چیز را به آینده‌ای نامعلوم موکول می‌کنند؟ هیات حاکمه که از هما رفتن قیام ۲۲ بهمن رسالت خود را حفظ مناسبات ارضی بازمانده ارزیم شاهی قرار داده بود، مستقیماً در مقابل جنبش انقلابی دهقانان قرار گرفت و بطریق مختلف سعی در سرکوب آن نمود. اما ادامه، گسترش و تعمیق جنبش مصادره زمین و شکل‌گیری شوراهای دهقانی، بهمراه گسترش نفوذ نیروهای چپ در درون روستاها، حاکمیت را مجبور کرد تا در جهت اجرای یک فرم ارضی مبتدل اقدام نماید، تا شاید از این طریق حرکت‌های اعتراضی دهقانان را کنترل کند، مانع رشد روزافزون نیروهای چپ در درون روستا شود و کلاً جو انقلابی حاکم بر روستاها را مهار نماید.

اما همین‌جا که انتظار می‌رفت، وقتی که حاکمیت در نیمه راه اجرای فرم ارضی بوروکراتیک، شرایط را برای باز شناساندن امتیازاتی که تحت فشار دهقانان رها شده بود، آماده دید، بلافاصله حکم بر لغو اجرای بند "ج" از قانون واگذاری داد. و بدین وسیله پیش‌از پیش حاکمیت خود را از زمینداران بزرگ آشکار ساخت. لیکن بعطت ادامه بحران سیاسی و ظرفیت انقلابی نوده‌ها، شرایط آنجنانکه حاکمیت تصور میکرد، هنوز برای توقف اجرای "اطلاعات ارضی" آماده نبود.

با توقف بند "ج"، دهقانان که از برآورده شدن حداقل خواسته‌های خویش توسط "جمهوری اسلامی" مایوس شده اند، خود وارد عمل شده و بطریق گوناگون در جهت دست‌آوردن مطالبات خود (که بند "ج" از قانون واگذاری تنها بخش کوچک واقعی از مطالبات آنان را تشکیل می‌دهد) به مبارزه پرداختند. مسأله امتیازات نوع این مبارزات و اعتراضات دهقانی، نوشتن نامه‌های متعدد به مجلس، آیت‌الله خمینی و غیره در جهت اجرای اطلاعات ارضی است. اگر چه ممکن است این اقدامات هنوز به نوعی ساله توهم دهقانان به

دروغهای اخیر، دوباره، ساله مالکیت زمینهای مزروعی بخسوان یکی از معضلات جمهوری اسلامی در سطح محلی مطرح شده است. حاکمیت که طی این دو سال تا توانی خود را در حل مشکلات زمینکشان و با حداقل تخفیف نسبی آنها ثابت کرده است، اکنون در برابر با لگرفتن مجدد مسأله ارضی و مطالبات دهقانان، در مانده‌گی و استیصال خود را بار دیگر به ثبوت می‌رساند. حاکمیت از ابتدا با تمام توان در مقابل اقدامات انقلابی دهقانان جهت حل دموکراتیک مسأله ارضی (یعنی با ابتکار خود دهقانان و از پاشین) ایستاد و به سرکوب انسان پرداخت. سپس با متوقف کردن امر تقسیم بخشی از اراضی مالکان (بند "ج" از قانون واگذاری ارضی) نشان داد که حتی یک فرم ارضی سرودم بریده، نیز عاجز است. اینک نیز در مقابل موج نوین مبارزات دهقانی، بیپوده می‌کوشد با وقت گذرانی، وعده سرخرمن دادن و سخنان ابهام آمیز و ضدتقیض بحران موجود را از سر بگذراند.

در این رابطه، در حالی که آیت‌الله مشکینی اجرای بند "ج" را به تمام جنگ موکول می‌کند، دکتر بهشتی می‌گوید:

"فکر می‌کنم مسائلی را که شرایط آن تحقق پیدا نکرده، به موقعی که شرایط آن محقق شود واگذار کنیم بهتر است، تا موقعی که تصمیم می‌گیریم بتوانیم بخوبی اجرا کنیم" (جمهوری اسلامی ۱۶ بهمن). بدین ترتیب دکتر بهشتی از کنار تقسیم ارضی زمینداران بزرگ می‌گذرد و آنرا به موقعی که شرایط آن محقق شود" احواله می‌دهد. حال است که پس از ده روز از این اظهار نظر، وی می‌گوید: "اصولاً بر طبق خود این لایحه لازم بود هیات واگذاری تلاش میکرد تا زمینهای موات را که قابل عمران و آبادی هست تقسیم کند" (جمهوری اسلامی ۲۶ بهمن). و بدین ترتیب بطور معنی "اصولاً" موضوع هرگونه تقسیم ارضی زمینداران بزرگ را مانع مالی می‌کند. در همین رابطه، سلامتی وزیر کشاورزی اظهار می‌دارد که "تعداد توقف بند "ج" در کشاورزی مشکلاتی بوجود آمد. امیدواریم طرحی تهیه شود که این ساله ریشه‌ای حل شود و بتوانیم برنا مه‌ریزی کنیم" (جهان‌شهر ۲۳ اسفند ۵۹). همچنین در قطعه‌نامه سخنار آمد بران کلیل

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

رهنمودهای شمی رفسنجانی به امپریالیستها

مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

تهران

یک پیرمرد زحمتکش در تاسی: معلوم نیست آدم حرف چه کسی را باور کند دولت میگه وضع آواره ها خوبه، از طرفی کسانی که از لرستان و از این طرف و آن طرف میآیند میگوین وضع آواره ها بنده امیر میزی زیاده، به آواره ها رخت و لباس و غذا نمیدهند، غذا نمیدهند آخراین همسه کمکی که مردم کردند کجا رفته؟

بهبهان

شهر معلوا از جمعیت است. جای سوزن انداختن نیست، مسافر خانه ها جایی خالی ندارند، تمام مدارس بوسیله جنگ زدگان مثل اردوگاه شده است، عده ای کتا رخیان بان زندگی می کنند، بسیاری از ساختما نهی نیمه ساخته شده بوسیله نایلون اطرافشان محصور شده و عده ای را زیر سقف نایلونی خود جا داده است. وارد یکی از این مدارس می شوم، در گوشه و کتا راسباب و اثاثیه جنگ زدگان ریخته شده است علاوه بر اثاثیه ها که در هر کدام از آنها ۱۰ الی ۱۵ نفر زندگی می کنند در حیاط هم جا در زده اند قیافه های رنجور و زرد کدکان، زنان سیاه پوش و قیافه های غم زده دل هرتا زه واردی را به دردمیآورد. به مرد ۳۵ - ۴۲ ساله ای که در کتا ریکی از جا درها دوزانو نشسته و به روبروش زل زده است نزدیک مسی شوم: سلام آقا میهمان میخواهید؟ مقوا شای را که نزدیکش است جلو می کشد و می گوید: بفرما شید، قدمتون رو چشم ما خودمون هم میهمون هستیم، سر صحبت بازمیشود چند نفر دیگر هم جمع میشوند مرد که بعدا فهمیدم قبلا در خر مشهر آ هنگی میگردد اشاره ای به ۴ بچه ای که نزدیک چادر بازی میکردند و از سروریشا نمکس بالامی رفت نمود و گفت "الان سه هفته است حمام نکرده اند یک حمام رفتن ۱۰ تومان آب میخورد، بچه ها بمان زکنا فت شناخته نمیشوند حمام بدرک، گرسنگی آگسنگی! توالن جوونی نمی فهمی چه دردی دارد بچه ات گریه کند، زار بز ندولی تونتونی کاری بکنی، مفا زه ها پرا زگوشت با شید پرا زغیبدا بیسیا شید ولی تونتونی کاری بکنی." گفتم پپس کمک های مالی و جنسی مردم چه شده است؟ زن جوانی که توالن گل و لالی دم پاشی پوشیده و یک تشت نایلونی دستش است با عصیانیت می گوید "چی شده؟ رفته توجیب آقا بون، اینها همه شون یک مشت دزدند تا نام اسلام مردم را می چابند

مسا عدی که توکم توده ها را فراهم نموده بود استفا ه نکرده است. او که از اشتباه فرانسه بسیار نا راجت است، فرانسه را نصیحت میکند که "من تذکر بشما میدهم که فرانسه اشتباه میکند، ما ملت کینه توزی نیستیم اگر شما اشتباه خود را اصلاح کنید میتوانیم روابط حسنه ای داشته باشیم." (جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۸ اسفند) و بدین صورت حرف آخر خود را میزند و صریحا میگوید که از سوی رژیم جمهوری اسلامی جهت برقراری "روابط حسنه" ما نمی نیست و فقط میل، میل تماست. این شما شید که با بدبا در پیش گرفتن سیاستهای "درستی" چون سرازیر کردن سیل سلاح و مهمات به ایران، دادن وام و اعتبارات امپریالیستی و صدور کتا لا و سرمایه با جلب و گذارید و روابط را "حسنه" کنید.

ها شمی رفسنجانی اظهار تعجب می کند که دولت فرانسه حتی نا وجه های را که ما پول آنها را پرداخت کرده ایم به ما نمیدهد. (البته خودش فورا میگوید که اخیرا تحت فشار (!) به ما قول تحویل داده است) آقا شای رفسنجانی که چشم انداز خریدهای عظیم تسلیحاتی از کشورهای امپریالیستی را پیش روی دارد بسیار متحج می کند که چرا فرانسه حتی نا وجه ها را هم تحویل نمیدهد!

سردمداران رژیم که بی صبرانه از هر راهی جهت بسط و تحکیم روابط خود با کشورهای امپریالیستی بخصوص امپریالیستهای اروپای و ژاپن می کوشند و فاحش را بدانجا رسانده اند که علنا "امپریالیستها را به هر چه نزدیکتر شدن و هر چه محکمتر کردن روابط فی مابین، تشویق میکنند. اما تمامی سران جمهوری اسلامی باید بدانند که خلق ایران برخلاف تصور آنها نسبت به امپریالیستها کتا نسبی بسیار "کینه توز" است و نفست و کینه اش نه تنها نسبت به تما مسی امپریالیستهای غارتگر جهانی بلکه به تما می، سرمایه داران و زمینداران و حامیان نشان نیز بی پایان است. ها شمی رفسنجانی و تمام هم پالکی ها بش با بدبا نند که خلق قهرمان ایران نه تنها اجازه نخواهد داد که "روابط حسنه" با امپریالیستهای کسترش و نداد و میا بد بلکه رژیم را نیز که سرعت در جهت هر چه گسترده تر کردن این روابط کام میزیدارد دیر با زود خواهد شناخت و به رساله دانی تارینخ روانه خواهد کرد.

یکی از مسائلی که دو جناح اصلی هیئت حاکمه بر روی اساس آن توافق نظر دارند (هر چند که در مورد شیوه های تا حدی اختلاف داشته باشند) سیاست نزدیکی، بسط و تحکیم روابط بسا امپریالیستهای اروپائی و ژاپن است. رژیم جمهوری اسلامی در این راه تا بحال کامهای بسا ری برداشته است. که کمترین آن تجدید قرا داد های موجود با این امپریالیستها و همچنین عقد قرا داد های جدید احداث کارخانجات و تاسیسات نیروگاه و شبکه برق و... بخصوص با ژاپن و آلمان است و حتی در این اواخر کار رژیم بجایی رسیده که مستشاران آلمانی صنایع دفاع را نیز سرکارهای خود بساز کرد اندیده است (جالب اینجاست که حتی رئیس گروه آنها همان مستشاری است که در دوره شاه خا شاین سمت را بعهده داشته است.) اما از سوی دیگر رژیم امپریالیست جهان می که عجز رژیم حاکم در برقراری نظم و امنیت لازم را شاهد است سیاست دوپهلویی را پیش گرفته که یکی از وجه آن در فشار رنه دادن جمهوری اسلامی و مقابله با آنست به این منظور که شاید بتوانند در این میان رژیم "قدرتمند" بر سر کار آورد و منافع دراز مدت خویش را حراست کنند. حرکات کشورهای امپریالیستی چون تحریم نیمه بند اقتصادی و اعمال فشارهای سیاسی و... در این رابطه قابل تبیین است. از این جهت است که ها شمی رفسنجانی یکی از رهبران جناح حزب جمهوری اسلامی مسئولیت "ارشاد" و "نصیحت" امپریالیستها و هدایت آنان در جهت ایجاد "روابط حسنه" با رژیم جمهوری اسلامی را بعهده گرفته است. ها شمی رفسنجانی به روشنی به کشورهای امپریالیستی رهنمود میدهد که دست از لجاج بردارند و با اصلاح خود به تحکیم روابط غارتگرانه فی مابین بپردازند. و بدانند که برای برقراری "روابط حسنه" فقط دو چیز لازم است اول رضایت امپریالیستها و دوم فریب توده ها.

ها شمی رفسنجانی در "دیدار و گفتگو با سفیر فرانسه" در روز شنبه ۱۶ اسفند ماه میگوید "مردم ایران در اوائل انقلاب نسبت به فرانسه احساسات خوبی داشتند... که فرانسه میتواند از آن استفاده کند و اگر فرانسه دوستانه برخورد میکند میتواند نسبت به ما خوبی برای ما باشد. و ما فرانسه در سیاست خود اشتباه کردیم حجت الاسلام ها شمی رفسنجانی بیسار متاسف است که چرا فرانسه از زمینش

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



نامه یک پاسدار سابق کمیته

مردم چه میگویند...

بقیه از صفحه ۱۰

خودتون بهتر میدونید، ببینید چه بلائی سرما آورده اند (اشاره ای کرد به اطرافش، همه اش تقصیر همین حکومت، توپسل ها شون لمدا دندو دستور ما یرمی کنند و سخنبرانایی میکنند شما میدهند، پدر سوخته ها! آه هنگسر: راست میگه الان ۱۲ روز است کسی نیامده بسردحالتون چطوره؟ یک ماه پیش به ما که اسفندیم تا بتودا دندکه نمیدونیم رومون بکشیم یا زیرمون بیاندازیم از سرما خواستیم ان نمی برد، حالا زجای ما کمی محفوظ است تعدادی از بستگانم توی خانه های نیمه تمام شهرک کنار بهبهان می نشینند، خانه ها سقف ندارند، فقط چهار تا دیوار دارند، سقف را با تا یلون و مقوا پوشانده اند، باران که آمدجا شون نم گرفته استخوان درد گرفته اند، همان زن جوان تشت بدست دنباله حرفش را گرفت، بدتر از این تواله هم ندارند خودشون گوشه حیا طراکنده اند، دورش را مقوا گرفته اند این شدتوالشون، بچه ها وبا گرفته اند، هر بیضی بیداد می کند، پیرمردی که یک سیب زمینی پخته پوست می کند و تا زه به جمع ما پیوسته می گوید: "عیسی خدا ره جنگه انشالله اگر بنی صدر را بزارند جنگ را تمام می کند، پسر جوانی از پشت سرم می گوید: عجیب حرفها! مگر بنی صدر را به زنجیر کشیدند که می گویند اگر بزارن، بنی صدر فقط سلبه حرف بزند و ارتش را تا زانو ازش کنه، دست کمی از اردو دستر جانی ندارد، چرا یک دفعه در مورد اسلحه دادی به مردم محبت نمی کنی؟ چرا ما را مسلح نمی کنی؟ چرا دو ماه قبل از جنگ موقعی که ما کارگران گمرک می دیدیم که بعضی ها در بر سر سنگر بندی می کنند و به مرز، هوا بیما و کشتی می فرستند هیچ قدامی نکرد، مردم را هوشیار نکرد و گذاشت که غافلگیر بشوند "مرد آهنگر: " راست میگه ما را مثل گوسفند زیر بمب ها رها کردند، ما هم دیدیم دست خالی ما نندن توشهرها دیده ای ندارد، اگر تفنگ داشتیم به عراقی ها می فهمادیم که به بمب ریختن روی شهر یعنی چیه؟ (دستها پیش را در حالی که می لرزیدند نشان داد) حالا این دستها که آهین را خم میگردن یا بدبدم کدائی کنیم، بغض گلوبم را گرفته است، با ضرب دست آهنگر روی پا بدم خودم، از شورای آوارگان برای بیان صحبت کردم که چگونه این شورا را تشکیل بدهند با آوارگان دیگر تمساس بگیرند نما بیندگان خود را انتخاب بکنند دنبال خواسته هایمان بفرستند، مبارزه کنند و جفون را بگیرند و آهنگر چه خوب می گفت که اگر ما اینها را سرکار آوردیم، خودمون هم میتونیم برشون داریم پروژگار اینجوری نمی مونه حق به حق داریم برسه، بهداشت، مسکرونان حق مسلم آوارگان است

نمی خواستیم به روی خلق زحمتکش خاک سفید اسلحه بکشیم. زمینی که خلق مسلم آنهاست. زحمتکشانی که بعد از پیروزی انقلاب با وعده های پیوج و بیهوده حزب حاکم که به آنها داده بود تا در بنیاد مسکن مستضعفین ثبت نام بعمل بیارند تا به آنها زمین بدهند ولی اینها بداند که تمام زمینهای بنیاد مسکن را به سرما به داران به عنوان مستضعف داده اند. آیا یک زحمتکش میتواند صد هزار تومان خرج اسلکت بندی یا خنمان خود بماند یا اینکه هزارها تومان خرج سنگ مرمر یا خنمان و غیره... بکنند مسلما. خیر، چرا که اینها زحمتکش نیستند اینها همان فرزان رژیم سابقند که اکنون تحت حمایت حزب حاکم قرار گرفته اند. ما خود فرزندیک زحمتکش هستیم در دخلقهای محروم رامیدانیم و نخواستیم به روی آنها آتش بکشیم. این پست فطرتان چه خیال حرامی کردند آنها میخواستند با چند برابر کردن حقوق ما را بخرند! و بسک فدائی خلق خیلی با لاش از این حرفهاست که بنیاد را خرید، اگر یک فدائی خلق خریده میشد شاه آنها را میخرید و دیدیم که چگونه خریده نشدند که هیچ، بلکه با هرگونه ظلم در جامعه مبارزه برخواستند. ما بیگاری و گرسنگی را به گرفتن ما می چند هزار تومان و اسلحه کشیدن به روی زحمتکش ترجیح میدیم به ما گرسنگی و بیگاری را تحمیل میکنند ولی حاضر نیستیم حتی یک فشنگ به روی خلق شلیک کنیم. زمانی که هر فشنگ ما باید قلب امپریالیسم به سرکردگی آمریکا را بشکافد چرا باید به روی زحمتکش شلیک کنیم. رفقای عزیز! میدوایم این مطلب را حتما در هفته نامه کارچاپ کنید که مردم بدانند که یک ما مورسابق کمیته هم میتوانیم فدائی خلق باشیم. و در راه آرمان خلق قدم برداریم. چون سلاحهای سبک از قبیل ژ-۳ - تیربار - نارنجک آشنائی که ملدارم حاضریم درجلبه پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کردستان علیه تاج و زگران خلق کرد بکنیم. مرگ بر امپریالیسم جهانیه سرکردگی آمریکا

مرگ بر سازشکار
به امید پیروزی طیفه کارگر
و با درود فراوان بر سازمان پرافتخار
چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

نامه ای را که در زیر ملاحظه میکنید یکی از رفقای هوادار سازمان کمیته قبلا" پاسدار کمیته بوده است برای ما فرستاده و ما خواسته است که آرا در کار چاپ کنیم. این نامه یک اشتباه گری زندان را کمیته است که بر اساس توهمون آگاهی توده ها بقدرت رسید و امروز ما هیت ضد انقلابیست بر زحمتکشان میهن ما روشن میگردد. ما در زیر همین نامه را منتشر می کنیم که خود گویا ترا هرگونه تحلیل و توضیحی در مورد ما هیست ضد خلقی و سیاستهای ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی است.

روزنامه کار
ارکان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

خدمت رفقای عزیزم سلام، پس از تقدیم عرض سلام امیدوارم حال کلیه رفقا خوب باشد تا هر چه مستحکم تر در راه آرمان خلق قدم بردارید. رفقای عزیز، من پاسدار سابق یکی از کمیته های تهران هستم و میخواستم قسدری از فعالیت های خودمان و دستورهای ضد خلقی ریشی کمیته منطقه را که یک آخوند بوده شما بگویم تا در روزنامه کار چاپ کنید و همه خلق از این امر باخبر باشند که چه کسانی پاسداران را در مقابل زحمتکشان قرار میدهند. من تعدادی از بچه های که همگی از خانواده زحمتکشان بودند در یکی از مناطقی تهران بعد از پیروزی انقلاب به همت خلق با خواسته میهنمان، کمیته ای تشکیل دادیم که به تصویب کمیته مرکزی رسید. ما حدود یک سال در آن کمیته فعالیت داشتیم و در عرض این یکسال افراد ما در آن کمیته با کسای کردیم. تمامی فعالیت های ما در راه خلق بود ولی بعد از مدتی بدون هیچ دلیلی کمیته ما را منحل اعلام کردند ولی ما که قسم خورده بودیم که برای زحمتکشان میهن قدم برداریم پس از دوندگی های زیادی موفق شدیم در کمیته گسره ضربت مستقر در شهرداری همان منطقه شروع به فعالیت بپردازیم. من بعد از مدتی متوجه دزدی و رشوه گیریهای مسئول آنجا شدم که احمد.م. نام داشت. و یک شب با شورا ای که با بقیه بچه ها تشکیل دادیم قرار شد که اگر احمد.م. در آنجا فعالیت کند. بچه ها همه استعفا خواهند داد. خلاصه موفق شدیم این مزدور کثیف رژیم را بیرون کنیم ولی بعد از چند روزی نیز آنجا را منحل اعلام کردند میدانید چرا؟ به دلیل اینکه ما

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

روی آن نوشته شده بود:
"وضع اسفبار در صنایع ذوب آهن
آلمان در خیابانها به حرکت
آمدند."

اعتصاب کارکنان در انگلستان

در هفته های گذشته کشورهای
امپریالیستی اروپا با اهدا اعتصابات
و اعتراضات وسیع کارگران و کارکنان
بودند. از جمله اعتصاب بیست و چهار
ساعتی نیم میلیون کارکنان دولت
انگلستان است که به تشابه اعتراض به
باشین بودن دستمزدها در هفته گذشته
صورت گرفت. در پی این اعتصاب
گسترده، امور فرودگاهها، موزه ها،
گمرکات و اداره های دولتی مختل شد
دولت انگلستان را با بحرانهای جدی
فازهای مواجه کرد. اتحادیه های
کارگری کارکنان دولت، اعلام کرد که
اعتصاب حدود ۸۰٪ موفق و نتیجه بخش
بوده است.
ضمناً کارمندان مراکز
کامپیوتری و شبکه های دفاعی انگلیس
سیزدهم تاریخ ۱۳/۲۱/۵۹ دست به
اعتصاب زدند.

ایتالیا:

بحران اقتصادی، اخراج ها، اعتصابات کارگری.

ایتالیا در هفته های اخیر در اشکال
وسیعتری وارد بحران اقتصادی شد.
این بحرانها بویژه در صنایع اتومبیل
سازی فیات که منجر به اخراج کارگران
زیادی شد، در پی خود، حرکات
اعتراضی کارگران را از قبیل اعتصاب
راه پیمایی و اشغال بعضی مناطق،
برانگیخت.

اتومبیل سازی فیات:

در حالی که از ماه اکتبر گذشته ۲۲
هزار کارگر همچنان بیکارند، دهها
هزار کارگر دیگر نیز به صندوق بیکاری
معرفی شدند. این امر بحران شدید
و بی سابقه صنایع اتومبیل سازی
فیات را نشان میدهد. مدیران فیات
گفته اند در یک چنین شرایط بحرانی،
نه تنها نمی توان سخنی از بازگشت این
کارگران به میان آورد، بلکه خانه
نشین شدن آنها در ماههای آینده نیز
اجتناب ناپذیر است.

راهپیمایی و اعتصاب علیه اخراج کارگران.

روز ۱۷ ژانویه ۱۹۸۱، کارگران "سیلنا"
بقیه در صفحه ۱۴

جنبش جهانی

کارگری - رها نبخش



تجاهلی است علیه کارگران کارخانه
بلکه اقدام توطئه گرانه ای است علیه
اقلیت های نسبی. چرا که اتحادیه
سلاحی است در دست کارگران که مانع
برداشت دستمزدهای کمتر به اقلیت ها
میکردد.

کارگران میگویند: "اعتصاب به
ما موخته است که همه چون تنی واحد و
به مثابه کارگران مبارزه کنیم -
چون یک انسان سیاه، سفید، فیلیپینی
و یا آمریکایی لاتینی. همه در یک صف
و نه علیه یکدیگر."

اعتصاب بخشهای مختلف در صنایع آلمان.

جنبش های اعتراضی کارگری اکثراً
به صورت اعتصاب در مراکز اصلی ذوب -
فلز آلمان قدرال و در صنایع متوسط
و نیردر بخشهای بزرگ مانند "مرسدس
بنز" گسترش یافته است.

سندیکاهای کلگری خواهان ۸ درصد
افزایش دستمزد میباشند. مقاطعه
کاران کدور آواز، با ۲/۵٪ افزایش
دستمزد موافقت کردند، بدنیا ل اعتصاب
اخیر، به ۳/۵٪ نیز ارضی شدند. در
صنایع ذوب فلز در فرانکفورت، مبارزه
ای بسیار قاطع تر و گسترده تر صورت
گرفت. کارگران به مدت یک ساعت دست
از کار کشیدند، و در پی آن بیست
راه پیمایی آغاز شد که به سرعت دهها
هزار کارگر را در بر گرفت. همراه با
این راهپیمایی ۱۷ هزار کارگر ذوب -
فلز "یادن" و "تن برگ" نیز طلی
چند روز و هر روز به مدت یک ساعت دست از
کار کشیدند. همچنین، نظراتی با
شرکت هزاران کارگر در "ویسر یادن"
صورت گرفت. دامنه این حرکات
اعتراضی کارگران به تسلی از
کارخانه های "دورت موند" نیز کشیده
شد. کارگران با پلاکاردهایی که بر

مبارزات کارگران در کشورهای امپریالیستی رو با اعتلاست

بحران اقتصادی کشورهای سرما به
داری که کل اردرگاه امپریالیسم را
فرا گرفته است با گذشت هر روز از زرفا و
عمق تازه ای برخوردار می گردد و اتحادیه
نوبنی بخود میگیرد. طی چند هفته اخیر
بسیاری از صنایع کشورهای امپریالیستی
دچار رکود تا زوای شدید و این امر منجر
به تعطیل تعدادی از کارخانه ها و بسا
توقف موقت در تولیدات برخی از رشته
هابویژه ماشین سازی شد. در این
میان با زهم سر تعداد بیکاران و فقر
و سنگدستی زحمتکشان افزوده شد. حدت
این بحران به تشدید هر چه بیشتر تضادهای
طبقه ای و مبارزه میان کارگران
و سرمایه داران اتحادیه است. هم
اکنون موج نوبنی از مبارزات آشکار
کارگری در سراسر کشورهای امپریالیستی
در حال گسترش است. رو با اعتلا
جنبش طبقه کارگر پدید آمده است اخبار
و گزارشهای مربوط به جنبش طبقه
کارگر در کشورهای امپریالیستی بنحو
عینی بیانگر این واقعیت است.

آمریکا:

شیکاگو، ۲۵ ژانویه کارگران ۵ کارخانه
شرکت امپریالیستی استوارت - وارنر،
در اعتراض به اخراجهای بی در پی
و بیش از تاریخ پایان قرارداد های
استخدامی و همچنین بخاطر کمی دستمزد
از تاریخ ۲۴ ژانویه سال جاری بمدت سه
هفته دست به اعتصاب زدند. این
کارگران در بخشهای سرق و صنایع
هوایمائی کار می کنند و اکثریت آنها
را کارگران زن تشکیل می دهد و همگی
عضو اتحادیه کارگران بر فکا هستند.
آنها بدلیل افزایش هزینه زندگی
خواهان ۹۰ سنت اضافه دستمزد در هر
ساعت و نیز تا مین بیمه پزشکی و افزایش
حداقل دستمزد بودند این اعتصاب ار
سوی کلیه اتحادیه های کارگری منطقه
شیکاگو پشتیبانی شد.

همه همه در یک صف:

با نعره "سیکو" کارگران کارخانه
"بلوشیلد" وارد مینین هفته اعتصاب
خود شدند (فوریه). اعتصاب کنندگان
به فقدان شرایط امینی لازم در کارخانه
و کمی دستمزد اعتراض دارند. این
کارگران که اکثراً "ساده پوست"
فیلیپینی، آمریکایی لاتینی و ...
هستند میگویند کارفرما سعی در متلاشی
گردن اتحادیه دارد و این به نفع

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رها نبخش سراسر جهان

بقیه از صفحه ۱۲
بزرگترین شرکت تا سیات تلفن ،
علیه اخراج ۲۲۰ تن از کارگران شرکت
"کاتانیا" و "سینا" در رم را همبانی
کردند .

اشغال ۷ ساعته ایستگاه راه آهن رم - جنوا - پیزا

کارگران روز مزد شرکت ماکسارز
وابسته به بنیاد دکشا ورزی ابریخا طبر
مخالفت با انحلال شرکت و خمگین از
وعده های انجام نشده ، راه آهن رم-پیزا-
جنوا را اشغال کرده مواز حرکت قطارها
جلوگیری نمودند . این اقدام در پی
یک تصمیم جمعی در جلسه کارگران
روز مزد در تاریخ ۲۹ فوریه اتخاذ شد .
کارگران پس از ساعت موفق به
دریافت تخمین کافی از سوی دولت
برای جلوگیری از انحلال شرکت (که
به بهانه عدم سودآوری قرار بود در
تاریخ ۴ مارس انجام گیرد) شدند .

« کارگران "مونه دیسون" نیز
روز ۱۷ از انویه ۸۱- بعنوان اعتراض
به اخراج ۹۸ کارگر وابسته به
اتحادیه ، به یک اعتصاب ۲۴ ساعته دست
زدند . طبق آخرین خبر در لوموند ،
۱۲ هزار تن از ۵۷ هزار تن کارگر ایمن
کارخانه اخراج شده اند .
« در هفته گذشته سه هزار تن از
کارگران کارخانه زانوسی در پور
دنونه " به طور محدودا اعتصاب کردند .
کارگران اعتصابی به اخراج ۲۲ هزار
کارگر از بخشهای مختلف صنایع
ایتالیا ، اعتراض داشتند .
« بخشی از کارخانه فیسات ،
کاسینو ، برای بیرون رفتن از
بحران ، تمامی کارگران را به مدت
۵ روز از تاریخ ۱۲ تا ۱۷ آوریل ، بیکار
می کند .

نظام سرمایه داری علاوه بر استثمار
کارگران و مکیدن شیر جان آنها ،
همواره سلامتی و تندرستی آنان را نیز
در معرض انواع و اقسام امراض و
خطرات جانی ناشی از محیط کار ،
قرار می دهد ، هر روز در سراسر جهان
کارگران زیادی بر اثر کارهای سخت و
توانفرسا و فقدان وسایل ایمنی و
بهداشت مناسب ، به بیماریهای مزمن
نقص عضو ، و مرگ می رود چار میشوند .
« اخیرا " اتحادیه کارگری F.L.N ایتالیا ،
آمارهای آسوانح و ایستلانی که
کارگران را تهدید می کند منتشر کرده
است . این آمار خوبی فحایح نظام
سرمایه داری و ظلم و ستمی را که
به کارگران وارد می شود نشان میدهد .
در کارخانه فیسات تورینو بزرگترین
کارخانه ایتالیا ، سه میلیون و ۱۵۰
هزار کارگر در معرض انواع و اقسام
بیماریها قرار دارند ، از جمله سرطان ،
همچنین ، گردش ۲۸ هزار تن کارگر
شاغل در بخشهای پروسه دارا تهدید
می کنند .

۲۴۵۰ تن که در بخش سلیکات کار می کنند
در معرض خطر قرار دارند .
۱۸۸۰۰ کارگر که در محیط های آلوده به

جنبش جهانی

دود و غبار کار می کنند بیماری "برنشتیت"
و عوارض تنفسی تهدیدشان می کند .
همین بررسی در بسیاری از واحدهای
صنعتی در "پیه مونته" نیز ملاحظه است .
۵ هزار کارگر در معرض ابتلا به مرض
سرطان .

۲۸ هزار تن در معرض کوشدن به دلیل سر
و صدا .
۶۷ هزار کارگر را بیماریهای تنفسی و
تنگی نفس تهدید می کند .
۷۵۰۰ تن در معرض بیماریهای ناشی از
سلیکات هستند .

اعتصاب عمومی در فلسطین اشغالی

از سوی سازمانهای محلی
فلسطینی ، اعلام شد که از تاریخ ۱۰
مارس (۱۹ اسفند) یک موج اعتصاب
عمومی به نشانه "همبستگی با ۷۰۰۰ -
معلم که از تاریخ ۱۲ دسامبر (۲۲ آذر) در
اعتصاب بصری می برند ، آغاز خواهد شد .
اعلام کنندگان این خبر از سازمانهای
بین المللی تقاضای همبستگی بسیاری
کرده اند . آخرین اعتصابات از ایمن
نوع در بهار سال ۱۹۷۹ (بهار ۵۸) انجام
گرفت که منجر به دخالت ارتش اسرائیل
شد .

اسپانیا باسک :

در پی مرگ یکی از رهبران کارگری
E.T.A در باسک بر اثر شکنجه ،
یک اعتصاب عمومی سازمان یافته
باسک را در بر گرفت . همچنین در
اعتراض به قتل کارگر مزبور که در
مادرید دستگیر و شکنجه شده بود ،
تظاهراتی انجام شد ، این حرکات و
اعتراضات ، علیه قدرت مرکزی و
پلیس ویژه پشتیبانی از E.T.A جهت
گیری شد .

فرانسه :

افزایش خودکشی بر اثر بیکاری .

تعداد بیکاران زیر ۲۵ سال فرانسه
در عرض یکسال از ۶۰۷ هزار تن به ۶۹۲-
هزار تن افزایش یافته است . همچنین ،
خودکشی در میان جوانان زیر ۳۰ سال
که از شدت بیکاری و بی آمدهای ناشی
از آن رنج می برند ، بالا گرفته است .

السا السوادور :

مبارزه مسلحانه خلق السوادور
پیشاپیش آنها چریکهای انقلابی ،
پرتوان و پیروز مندان در جهت

سرنوشتی حکومت دیکتاتوری وابسته
به امپریالیسم در این کشور را داشته
دارد . چریکهای مبارز و انقلابی که
حمایت وسیع خلق را به همراه دارند ،
هر روز در مبارزات بی وقفه و خوبسار
خود ، ضربات کاری و موثری بر بیکار
پوسیده امپریالیسم و پانامیها
آن وارد می آورند و موفقیت هایشان کسب
می کنند .

از آغاز سال ۱۹۸۱ تا کنون ۳۰۰ نفر در
ال سالوادور به قتل رسیده اند .
در هفته اخیر چریکها با بمب و گلوله
به بانکها ، باشگاههای نظامی و دیگر
تاسیسات و نهادهای دولتی حمله
کرده اند .

همچنین چریکها در حمله ای به مواضع
دولتی در یک دهکده در ۸۸ کیلومتری
با یخچت قفسه ... سرارداشت
ضربات شدیدی به نیروهای دولتی
وارد آوردند . جبهه "آزادبخش"
"فارا بوندومارتی" نیز شهر مهم
استراتژیک "چالانتکو" را به محاصره
خود در آورد و کنترل کامل پرتغال لورنترو
را در ۷۰ کیلومتری سان سالوادور به
دست گرفتند .

جوخه های مرگ راست گرایسان
تورپست های ضد انقلاب هستند که با
طرح و نقشه امپریالیسم و وابستگیان
داخلی اش ، زمینداران و سرمایه داران
بزرگ در انسا لرا دورن وجود آمده اند .
با گسترش فعالیت چریکهای انقلابی ،
اخیرا " این جوخه های مرگ ، "انتقام
جویی های "سپانای به راه انداخته اند .
آنها افراد مظلوم به چپ بودند را از خانه
بیرون می کنند و اعدامشان می کنند و سر
روی جسد آنها علامت جوخه خود را نقش
می زنند .

۴ جسد در حومه سن سالوادور پیدا شده
است . بنا به اظهار سخنگوی نیروهای
انقلابی ، کشته شدگان "اعتصامالا"
کسانی هستند که مقررات منع عبور و
مرور شبانه را رعایت نکرده اند . بنا
قریبانی جوخه مرگ راست گرایسان
شده اند .

سربازان حکومت نظامی دستور
دارند به سوی هر کسی که پس از ساعت
غشب ظاهر شود تیراندازی کنند .

همکاری رژیم صهیونیستی

بارزیم فاشیست السوادور .

بنا بر گزارش خبرگزاری فلسطینی
وفا ، چهار صد و سی و سه صهیونیست در
حال حاضر با رژیم فاشیستی السوادور
در جهت سرکوبی جنبش انقلابی خلق
این کشور همکاری و مشاورت دارند .
این مسئله که توسط جبهه
دموکراتیک انقلابی السوادور تانقد
شده است بر اساس گزارش خبرگزاری
وفا ، این امر از توافق نامتنه
امریکا و رژیم فاشیست السوادور
ناشی میشود .



رژیم جمهوری اسلامی بدهی فتودالهارا از دهقانان میگیرد!

فتودالها با حمایت رژیم علیه دهقانان توطئه می کنند.

دولت جمهوری اسلامی علاوه بر لغو بند "ج" قانون نسیبند اطلاعات ارضی، که اعلام رسمی دفاع از زمینداران بزرگ است، تلاش می کند تا زمین های را که دهقانان زحمتکش طی دو سال بعد ازیان معادله انقلابی کرده اند، باز پس بگیرد و در اختیار مالکینان خونخوار و غارتگر بگذارد. حکومت برای رسیدن به این نیت ضد انقلابی، دهقانان ستمدیده را در مضیقه فشار قرار میدهد. و با بل و بزار کشت و کار در اختیار آنان نمی گذارد. مالیاتها و پولیهای گزاف از آنها میگیرد و سه انواع مختلف آوارگی و تفتیش را می گذارد تا حاضرین در زمین خود را رها کنند. البته تاکنون فتودالها با حمایت دولت "مستفیان" و بارور ژ - ۳ و سایر رویدادها حکام "داهگاهانی انقلاب اسلامی" نیز زمینهای معادله ای را از دهقانان گرفته اند. سال گذشته زمینداران روستای باز کیا کورا را از انواع لاهجان، سبب تشکیل شورای زمینهای باغ حانی چندین از زمینداران بزرگ را پس خود تقسیم کردند. در همان بدو عمل انقلابی دهقانان، زاندارم ها از سبب داکم شروع لاهجان، در اعتراض دهقانان آمدند تا زمین های را از آنها پس بگیرند. اما مقاومت کیا کورا در وساطت زمینداران زحمتکش، باعث شد که زاندارم ها با عقب نشینی کنند. زمین تا توسط دهقانان گاشته شد و دهقانان محول را برداشت کردند و دیگر اراضی برداشت اما در کارخانه و فرجه چندین از آنان توسط فرمانداری ضبط شد. و در شهریور دهقانان ۴۰۰ تا ۵۰۰ هکتار برای کشاورز برداشت و امی که زمینداران قبلا از بانکها گرفته بودند، طلب کردند. این عمل فرمانداری که بسیار کم اهمیت حکومت جمهوری اسلامی است، باعث شد که امسال سهام از روستا زمینداران اقدام به کاست زمین ها کنند. و اکثر آنها را از آنکه میادار زمین را کسه می کارند توسط حکومت گرفته شود. زمین ها را از آنها کشت نکرده اند. این امر موجب ضرر و فلاحک پس از زمین روستا نشان شد. و زمینهای فراهم می آورد تا زمینداران بتوانند به بهانه نده کسب زمین و وفای نده ماندن آن دو را از چنگال خود را در زمین و زندگی دهقانان ستمدیده فرو کنند.

فتودالهایی که با معادله انقلابی زمین توسط دهقانان ضربه های سختی خورده بودند، مدتهاست که با انگار به رژیم جمهوری اسلامی جان گرفته و مرتب در صدد توطئه چینی و اقداماتی هستند تا زمینها را از دهقانان محروم باز پس بگیرند. روستای "مکسام" رضوانشهر که بزرگترین محمول معده آن است و عده ای نیز از طریق باغداران مزارع معاش می کنند، بعد ازیان تا همسند تحولات و حرکتهای انقلابی دهقانان بوده است. زمینداران این روستا بعد ازیان با تشکیل شورای دهقانی جهل هکتار از زمینهای "محمد هوتک خان" حواهر دستنی "فتودال بزرگ روستا را معادله کردند. دهقانان زمینداران با برنامهای منظم و خاص به کشت و کار زمینهای معادله ای پرداختند. فتودال

سرپرده مزبور نیز ۱۲۰ هکتار بقیه ای زمین را در دست دارد. و مدام سعی دارد که با حمایت رژیم جمهوری اسلامی مقدار زمینی را که توسط دهقانان معادله شده است از آنها باز پس بگیرد. این فتودال خونخوار که در رژیم گذشته همواره از حمایت شاهپور غلامرضا برخوردار بوده، اکنون زیر حمایت رژیم جمهوری اسلامی فشار گرفته و از دادگستری منطقه انتظارهایی بنام دهقانان روستای مکام گرفته است تا زمینها را از آنها بگیرد. اما تاکنون دهقانان در برابر اخطار رژیم دادگستری و توطئه ها و اقدامات فتودال سرپرده، با اتحاد و همبستگی مقاومت کرده اند و مصمم هستند که زمینهای معادله ای را در اختیار خود نگه دارند.

شهردار شاهین شهر در برابر اعتصاب و فتگران عقب نشینی کرد

زیاده و آشغال شهر را فرا گرفته و بهداشت شهر را با خطری جدی روبرو میگرداند اعتراض مردم (در حمایت کارگران) هر روز بیشتر می شود. شهردار موافقت کرد که حقوق یکماه آنها را بلافاصله بپردازد. و بقیه حقوق عقب افتاده رفتگران را نیز تا پایان بهار بعد بدهد. کارگران که موفقیتی نسبی بدست آوردند و بدین اعتبار را شکستند و به شهردار کوشیدند که اگر طی مدت تعیین شده حقوق عقب افتاده نشان پرداخت نشود مجدداً اعتصاب می کنند.

کارگران شهرداری (رفتگران) شاهین شهر اصفهان موفق شدند با اعتصابی هشت روزه، حقوق عقب افتاده خود را بگیرند. این کارگران تا قبل از قیام روز مزد بودند و بعد از قیام که اداره عمران شاهین شهر بدست بنیاد افتاد با استخدام شهرداری درآمد مادری این دو سال - دست اندر کاران شهرداری، برای استیضاح کارگران را بدست نداشتند. هر سه ماه یکبار آنها را اخراج کرده و دوباره استخدامشان میکنند. کارگران زحمتکش که برای گرفتن سه ماه حقوق عقب افتاده خود دست به اعتصاب زدند، با مسئولین شهرداری نیز تماس گرفتند و کلی جواب میدادند که "بما مربوط نیست و مسئولیت شما معده عمران است". همین جواب را عمران هم به آنها دادند علاوه بر آنها پاسخ داده شد که ما در فکر احتماع نداریم. کارگران دوباره به شهرداری مراجعه کردند. این بار مسئولین سه آنها گفتند "چون حقوق شما از محصل مالیاتهای مردم ما میسر میشود در این شرایط مردم مالیات نمیدهند برای شما حقوقی منظور نمی شود. مسئولان با سر دواندن کارگران میخواستند از پرداخت حقوق کارگران طفره بروند اما اینک طرفت با مقاومت کارگران - روبرو شدند و از طریق دیگر سعی

رفقا و هواداران!

چون سازمان میخواهد زندگیمان را فدایان شهید را منتشر کند، از گلبرگ رفقا و همه هواداران (بخصوص خانواده رفقای شهید) میخواهد که هرگونه نوشته - خاطره - عکس و اثری که از رفقای شهید سازمان در اختیار دارند، آنرا هر چه سریعتر برای ما بفرستند. رفقای که با خانواده شهیدان سازمان آشنایی بیشتری دارند، پس از همه باید به اسامی رفقای را بفرستند.

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۲۰

یکصد و دهمین سالگرد کمون پاریس

کمون نه تنها شکل سلطنتی تسلط طبقاتی را تغییر داد بلکه جمهوری بدل نمود بلکه تسلط طبقاتی را برین برد. دائمی و جا نشین کردن آن با ارتش از خلق مسلح بود. پس از آن نوبت به براندازی سیستم بروکراتیک رسید. کمون دستکاه اداری بورژوازی را درهم شکست. قوه مجریه و قضاییه را در شورای کمون که وظیفه اداره امور دولت را بر عهده داشت اقامت کرد. کمون ثابت کرد که طبقه کارگر نمیتواند دستکاه موجود دولتی را بدست گرفته و آنرا برای اجزای مفاد خود به حرکت در آورد بلکه باید ماشین بروکراتیک و نظامی دولتی را خرد کند و دولتی جدید از طراز کمون را جایگزین آن سازد. این نیز امکان پذیر نبود جز از طریق انقلاب فهرآبیز نابودی دولت بورژوازی و استقرار دیکتاتوری پرولناریا. کمون پاریس جواب عینی و مشخصی به این سوال که چه چیزی باید جا نشین یا سبب خرد شده دولتی شود داد. چیزی که در سال ۱۸۴۷ در ماساچوست کمونیست مارکس مطرح شده بود. کمون بجای ماشین دولتی خرد شده دموکراسی کاملتری را برقرار نمود که عیسای بودار بیرونی مسلح بوده ای و انتظامی بودن کامل و قابل سقوط همه با اختیار استیمنان. کمون تسلیم عدیمی غلط را حاکمین ارتش بورژوازی. این ابزار بلا را در دولت بورژوازی کرد. بروکراتیک اداری را از بین برد. دموکراسی در واقع پرولناریا تبدیل کرد. کمون نظام ترسناک آریا را لغو کرد. بورژوازی را منحل فرمود و دعوی نه کمیسون کار وجود آورد. هر مستبدانی بطور دمکراتیک در یکی از شورای ده گانه کمون مطرح و مورد بحث قرار گرفت و بعد مصیبات اتحادیه در شورای مرکزی کمون جمع بندی و با احسار گذاشته میشود. بدین ترتیب کمون یک ارکان پارلمانی نبود بلکه یک ارکان فانوکنگاری و اجرایی بود. احساعی بود. لنین در این باره می نویسد: "اهمیت کمون عبارت از کوهی بود که برای مردم با سبیدن دستکاه حکومتی و سازمان اداری فضائی، نظامی و پلیسی سمل آورد، وسیع کرده بود که آنرا آریخ وین سر کمندویک تشکیلات خود مختار شده ای را که تفکیک بود معنی از نموده مجریه برای معنای نادانی جا نشین آن سازد. کمون همچنین تمام مناصب اداری، قضائی و آموزشی را از طریق آراء عمومی مردم نه مسئولیت مستقیم مردم در این سیستم مردم میسوانستند. در هر زمان مسئولین را مبدل میکنند. حقوق سالیانه افرادی که دارای مشاغل اداری بودند هه عفراتک بود.

(آلمان) به هیچ وجه نمیتوانست از خود دفاع کند مگر آنکه طبقه کارگرش را مسلح کرده و در زمانی فعال متشکل کند. اما پاریس مسلح معنایش انقلاب مسلحانه کارگران نبود. پیروزی پاریس بر آلمان متجاوز یعنی پیروزی طبقه کارگر فرانسوی بر سرمایه داران و انگلیسهای دولتی بود. در این کشمکش بین وظیفه ملی و منافع طبقاتی "حکومت دفاع ملی" برای آنکه خود را به حکومت خیانت ملی بدل کند حتی لحظه ای هم درنگ نکرد. تیر که اندکی قبل از ۲۸ ژانویه ۱۸۷۱ از طرف مالکان بزرگ و بورژوازی و سلطنت طلبان در یک مجمع ملی در این دولت بورژوازی قرار گرفته بود بعد از رسیدن به قدرت فرار داد و مسلح با پیروان رابدا مضطرب را به دو طبقه آن الزام و نوبت به پیروان تعلق گرفت و مسلح همیلمیا در فرانک بعنوان غرامت جنگی به آلمان پرداخت کردید. بعد از آن تیر برسا خیال راحت همه نیروی نظامی اش را برای حمله به پرولتاریا مسلح پاریس بسیج نمود. پاریس مسلح تنها مانع جدی بر سر راه توطئه ضد انقلابی تیر بود. پس پاریس می باید خلع سلاح میشد. کار دملی که به طبقه کارگر ملحق شده بود مجهز به توپخانه بود. پس گرفتن توپخانه از دست کسارد ملی نمیتوانست مقدمه ای برای خلع سلاح پاریس باشد. از لنین و کورچه در معاهده صلح، توپخانه متعلق به کار دملی عنوان شده بود ولی تیر بدو برای تصاحب آن شبانه چند هنگ راه مون مارتن فرساندا کار دملی را خلع سلاح کرد و توپخانه اش را ضبط کرد. اما تلاش آنها با مقاومت کار دملی مواجه شد. در اینجا کارگران اورجمنگان پاریس با مینیا سستی بدست سوراخ دولت یعنی خلع سلاح تیر در میآوردند که این به معنی نابودی انقلاب فرانسه بود و با بایده حرکت انقلابی یعنی واژگونی حکومت بورژوازی مبادرت ورزیده و انقلاب فرانسه را تداوم می بخشیدند. پاریس راه دوم را سر کرد. پاریس که در نتیجه پنجمه کرسنگی و قحطی تحریف شده بود لحظه ای هم تردید نکرد. طبقه کارگر و زحمتکشان پاریس مصمم شدند با تمام عواقب مقاومت را در مقابل توطئه کران فرانسوی و نوپهای پیروسی که پشت دروازه های پاریس سنگر گرفته بود، بجوید خرد.

در روز ۱۸ مارس کارگران پاریس تحت رهبری کمیته مرکزی کار دملی، ارتش دولت ارتجاعی و ضد انقلابی تیر را عقب زانده، شبه مون مارتن را به تصرف درآوردند. کارگران همچنین در تیردی مسلحانه سفاک حساس شهر را تصرف کرده و بر فراز شهرداری برجیم سرخ حکومت پرولنتری را برای اولین بار به اهتزاز درآوردند. دولت بورژوازی که شکست خورده بود تنها وسای گریخت. پس از آن در شهرهای دیگر فرانسه چون لیون تولوز، بسنسر، بیکنان، کرسوت نیز دولت کارگری تشکیل شد.

این مبلغ برابر دستمزد یک کارگر ماه بود. پلیس بجای آنکه عامل حکومت مرکزی باشد از اختیارات سیاسی اش محروم شد و به عامل کمون که در هر لحظه قابل عزل بود مبدل گردید. پس از حذف ارتش دائمی پلیس که عامل فهریه مادی حکومت بود، کمون بفکر درهم شکستن نیروی معنوی بروکراتیک یعنی "قدرت کشیشان" از طریق تفکیک کلیسا از دولت افتاد. درهای تمام موسسات آموزشی مجانا به روی خلق باز شد و این موسسات از زیر نفوذ کلیساها گردید. کمون با وجود کوتاه بودن طول حیاتش موفق به انجام اقداماتی در زمینه بهبود زندگی کارگران و زحمتکشان شد. کارخانه ها را گردن ناواها را ممنوع اعلام کرد. کارخانه ها و کارخانه های که کارشان متوقف شده یا صاحبان گریختن بودند در اختیار اتحادیه های تعاونی کارگری قرار گرفتند. کارفرمایان از جریمه کردن یا کسر میلی از دستمزد برای آنان بپیری منع شدند. کمون همچنین بدستگاه اشخاص بستند. در اینجا تکیه را بر آید پس در دومت بسیار پرداخت دیون و اجاره ها را تسدید کرد. کمون کرب و زحمت های گرانقدری را در حین کمون بجای آورد. بسیاری نهادها مانند مدارس، کتابخانه ها، تئاترها، باشگاه ها، کلوبها، و غیره در اختیار دولت پرولتاریا قرار گرفتند. کمون پاریس عمدتاً در سطح بلاتکلیف و بی درستیها کسب هیچکدام به موسسات علمی بجز سر نبودند. عری مستند. بسیاری از مدارس، کتابخانه ها و معاهدات را در دست کمون قرار دادند. این اشتباهات بدهمگاری صمیمانه و نزدیک خود با کمون ادغام داد. لنین در این باره می نویسد: "پاریس رهبران را از یک قیام زودرس بر حذر میداد و لنین برای سردلان پرولناریا یک مشاور عملی بود. یک شرکت کننده در تیر شده ها بود. توده های که کسب کردن اعتناء به تشریفات غلط و اشتباهات بلاتکلیف و بی درستی تمام جنبش را به مرحله بالایی ارتقاء دادند. کمون پاریس در سینه امیر ۱۸۷۰ قیام را یک جنون میانه بود ولی قتی شده ها قیام میکنند اما رکن سخاوت آنها همگام میشود و همراه آنها از حریسان مبارزه تسلیم نکیرد. (لنین در باره نامه های مارکس به کولکلسمان ۱۸۷۷)

کمون که توانست به انقلاب مسلحانه و تکمیل قهر انقلابی خود را در پیروزی و در آزادی راه عقب نشینی و ادراک و قدرت و کار پاریس بدست آورد تا بسد بوسیدند اسلحه از سره بر و ریش دفاع میکرد و انقلاب را تا به آخر میرساند. اما با حمله نکردن به روسای که در آن زمان بی دفاع بودند یک اشتباه غیر قابل جبران شد. بدین ترتیب پرولنتری برای هرگونه توطئه و سازش سازی نیروی ضد انقلابیان با رکذاشت. این اشتباه از ناحیه رهبری در حال بی بقیه در صفحه ۱۷



درگیریهای اخیر لاهیجان

بقیه از صفحه ۲۰

بعد از ظهر با سداران مراجعت کردند و از مردم خواستند متفرق شوند. سپس دست به تیراندازی زدند. وضع شهر بکلی تغییر میکند، همه به خیابانهای می‌ریزند، مردم در خانه‌ها را بازمیکنداشتند تا کسانیکه از جنگ پاسداران و پیا از تیررس آنها میگریختند خود را مخفی کنند. تیراندازی پاسداران و مقاومت مردم، مدتی ادامه می‌یابد. در این روزها زده‌نفر مجروح میشوند. صبح روز جمعه پاسداران مجدداً به اجتماع مردم در خیابان بازا حمله می‌کنند. آنان که از گسترش دامنه مبارزات مردم، سخت وحشت زده شده بودند دوباره شروع به تیراندازی میکنند. یک دختر پانزده ساله بتنام سیما صباغ و پیرمردی بنا به پور میرزائی شهید میشوند. دو نفر نیز مجروح میگردند. فردای آنروز جنازه شهدا دفن می‌شوند. شهر حالت خفقان زده و مضطرب پیدا میکند، جاده لاهیجان - لنگرود و لاهیجان - رشت نیز کنترل پاسداران می‌رود، آنها تومبیل‌ها را با زرسی و افراد را با زجونی میکنند. عصر این روز تعدادی از مغازه‌داران را مجبور میکنند، مغازه‌هایشان را باز کنند و بقیه را نیز تهدید به آتش زدن مغازه‌ها میکنند. اقدامات ضد مردمی و سرکوبگرانه پاسداران و باندهای چماق‌روسپس دروغهایی که در این رابطه توسط رادیو و تلویزیون منتشر کردید چشم‌وا نزار شدید عمومی را در شهر لاهیجان بزرگ انگیخت.

یکصد و دهمین سالگرد کمون پاریس

بقیه از صفحه ۱۶



مورت گرفت که توده‌های کارگرو کار ملی کمون خواستار حمله به ورسای بودند. همین تردیدها به‌فرض انقلابیون فرصت داد تا قوای خود را منظم کرده و سرانجام کمون را به خاک و خون کشند.

اشتباه دیگر کمون این بود که ضد انقلابیونی که بطور مخفی در پاریس فعالیت میکردند و اطلاعات را به ورسای منتقل میکردند سرکوب نشدند و با آنان مجال توطئه و جاسوسی به نفع بورژوازی ورسای داده شد. اشتباه دیگر ملی‌نگردن پارتی فرانسه بود بجای آنکه طبقه کارگران را بسیج مالی بانک برای پیشبرد امر انقلاب استفاده نمایند و از دست‌اندازی بورژوازی بر آن جلوگیری کند، بر عکس پرودونیست‌ها که با ملی شدن بانک مخالفت می‌کردند حتی اجازه دادند مقدار قابل ملاحظه‌ای پول در اختیار ضد انقلابیون ورسای قرار گیرد. تیرو عملش با این پول نتوانستند بخارج حمله به پاریس رانند و نتوانست کنند. یکی از عواملی که نتوانست در موفقیت کمون موثراندا این بود که طبقه کارگربا زحمتکشان شهر و روستا و بیوزده‌هفتان متحد شود. با اینکه یکی از دلایل پیروزی کمون در پیبه قدرت رسیدن پیوند اتحادی با خرد بورژوازی پایتخت بود، بر عکس یکی از دلایل شکستش نیز عدم امکان تماس با دهقانان سراسر کشور و جلب حمایت آنها بود.

لنین در جمع بندی که از کمسون بدست می‌دهد چنین مینویسد: "وظیفه واقعی ایگه کمون با بد انجام میداد، قبل از هر چیز عبارت از آن بود که دیکتاتوری دموکراتیک (کارگران و دهقانان) و نه آنکه دیکتاتوری سوسیالیستی را تحقق بخشد... زیرا بنظر لنین انقلاب پیروزمند اجتماعی لااقل مستلزم دو پیش شرط میباشد: تکامل نیروهای مولده با بد به سطح بالایی رسیده باشد و پرولتاریا با بد آماده شده باشد. ولی در ۱۸۷۱ این دو پیش شرط موجود نبودند. سرما به دای فرانسه هنوز رشدنا چیزی داشت و فرانسه در آن زمان یک کشور خرد بورژوازی بود (سرزمین پیشه‌وران، دهقانان و خرده‌فروشان و غیره). از طرف دیگر یک حزب طبقه کارگرو خود نداشت."

(لنین به مناسبت چهارمین سالگشت ۱۹۱۱ کمون)

بورژوازی فرانسه به رهبری تیپو تا زمانیکه پرچم سرخ پرولتاریا بر فراز شهر پاریس در اهتزاز نبود خواب راحتی نداشت. تیپو با شکی نداشت که برای سرکوب پرولتاریا شرایط دولت پروس را برای تسلیم بپذیرد. در این هنگام بود که بیسمارک صدراعظم پروس بمنظور تکمیل ارتش ارتجاعی تیپو محدودده هزار نفر از سربازان ارتش امپراتوری فرانسه را که اسیر ارتش پروس شده بودند آزاد کرد.

و سرانجام زمانی که تیپو از پشتیبانی ارتش پروس مطمئن شد فریاد برآورد: "من قانون بدست وارد پاریس خواهم شد." و بدنبال آن ژنرالهای بنا پارتی، این رجاله‌های ورسای در ۲۱ مه به کمک حاسوسانی که قبلاب شهر نفوذ کرده بودند وارد شهر پاریس شدند و کشت و کشتاری بر راه انداختند که تا آنوقت پاریس هرگز شاهد آن نبود.

هفته خونین پیبه بود که جهان را تکوان داد. طبقه کارگرو تمام مردم پاریس از زن و مرد، پیرو جوان همه بدون اینکه لحظه‌ای به مرگ بیاندیشند برای دفاع از دولت انقلابیشان یعنی کمون پاریس دلاورانه نبرد کردند. روز ۲۷ مه گروهی از کموناردهای پاریس از قبرستان پرلاژ در مقابل دشمنی که از نظر کمیت ده مرتبه بر آنها برتری داشت مقاومت کردند و هنگامی که همایشان تمام شد تا آخرین لحظه با سرنیزه تفنگهایشان به جنگ تن به تن ادامه دادند و دهمگی در همان قبرستان شهید شدند و حتی بکنفرانس تسلیم دشمن نگردید.

پاریس مجموعاً ۲۲ هزار نفر از فرزندان دلیرو قهرمان خود را از دست داد. امروزه تنها کارگران فرانسه بلکه پرولتاریای جهان با درزمندگان کمون را گرامی میدارند زیرا کمون تنها برای یک وظیفه ملی نجنبید. کمون برای رهایی کلیه زحمتکشان جهان نبرد کرد. امر کمون امر انقلاب اجتماعی، امر رهایی کامل سیاسی و اقتصادی زحمتکشان و مرپرولتاریای جهانی است. و با این مفهوم کمون فنا ناپذیر است.

کارگاه هنر ایران در اشاعه هنر انقلابی تقدیم می‌کند

پیشین ۳

بابائی‌هایی از آذربایجان

مناجات ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۹

کارگاه هنر ایران

زادبند جمهوری اسلامی با سرمایه داران

به نقل از سومین شماره "خبر" نشریه شاخه گیلان سازمان

مزابا وبیمه شدن بودند اخراج کرده و به جای آنها افرادی را با حقوقی سنگین استخدام میکنند و روزانه تا هزار است نیز از آنها کار میگیرد. لازم به تذکر است که اخیراً رفیعیان یک باب مظاره را بر ما نهاده آقای محمودی مسئول روابط عمومی سپاه با سرداران و معلم تعلیمی دبستان استرا میهد تا به این ترتیب حمایت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از او تضمین گردد.

استرا - در کارخانه آردسیدکس متعلق به سرمایه داری بنا رفیعیان است کارگران خود استار در بایستی مزابای حق اولاد بیمه هستند دولتی رفیعیان صاحب کارخانه در جواب به کارگران میگوید: اگر شما را بیمه کنیم حقوق شما کم میشود و در ضمن کار کم است و تمام دستمزد را به من تحویل بدهید که من به شما میپردازم. رفیعیان این استرا را با مهربانی در پاسخ میگویند: اگر شما را بیمه کنیم حقوق شما کم میشود و در ضمن کار کم است و تمام دستمزد را به من تحویل بدهید که من به شما میپردازم.

پیشگام دانش آموز نشریه سیاسی خفنی دانش آموزان پیشگام منتشر شد

اسلامی سرور اما فعلی ای سیاسی و خفنی دانش آموزان تهیه کرده است. هنوز هم پارسا یکی از فعال ترین و زنده ترین گاه نویدی است و با زیربنای سیاسی است در همین شرایط انتقالی از خفنی خفنی و بیخوده دانش آموزان که بتوانند به مسائل آنها پاسخ گویند و با آنها همبسته باشند. وسیع آگاهی آنها را بالا بردارند برای ضروری بوده این امر که رفیقا نشریه پیشگام را در تمام این وظایف خود توفیق یابند. پیشگام دانش آموزان رژیم جمهوری اسلامی از او دانش آموزان نشریه خودیها خند.

انتشار نشریه پیشگام در شرایطی که گسترش و انقلاب جنبش خفنی بوده است از سوی رفیقا پیشگام کامی است چه به جهت جهت فعالیت و مسائل که جنبش دانش آموزی با آن روبروست. خفنی و همبستگی که دانش آموزان - سپهر ما با کمیت بسیار عظیم خود همبستگی با هم و به پیروی از آن در جنبش توده ای ایران پیدا کرده اند. بیگرسی پوشیده نیست، ارفا بهران سیاسی جامعه وسیع توده های دانش آموزان را بر گرفته است که دانش آموزان و همبسته محدودیتها که رژیم جمهوری

بررسی اوضاع سیاسی و رهنمودهایی به هواداران

بقیه از صفحه ۸

مادام که نیروهای انقلاب نتوانند لایزال نیرومندی در برابر توده ها تشکیل داده و خط و مرزهای نیروهای انقلاب وضاحت انقلاب را بطور قاطع مشخص نموده و صف بندیها را امتیاز کرده و از جنبه ای تندلیها آنها را از پس کرده و زندگی را روی دموکرات های انقلابی جلوگیری نمایند. در این صورت ما قادر نخواهیم بود، تمییزی اساسی در تناوب نیروهای طبقه سیاسی به نفع انقلاب بوجود آورده و ناچار به رهایی گمی توده ها و کشیده شدنشان بدستال جناحهای ضد انقلابی شویم. وظیفه انقلابی حکم میکند که به هوشیاری انقلابی خود را برای مقابله با تحولات سیاسی آینده و شرکت هر چه ما لایزال در مرصه مبارزه سیاسی جهت آزاده سازی و رهبری مبارزات توده ای آماده سازیم. سرعت روز فزاینده تحولات اجتماعی و پیچیدگیهای اوضاع سیاسی، بیپوشی کامل رویدادهای مختلف را غیر ممکن و حتی محال میسازد. لذا نیروهای انقلابی باید آماده و آماده به راه باشند و با پیش بینی نشده و احتمالی باشند.

۱- در هر کجا که هستند، کارخانه، مزرعه، مدرسه، محله، آژانس، بطور فعلی کار سیاسی را توده ها شروع کنند. در جهت سازماندهی این مبارزات و ارتقاء شعارها و کشود. هر کجا نیروهای جریان دارد در صف مقدمان قرار گیرید.

۲- در اجتماعات، میتینگ ها، سخنرانی ها، راهپیماییها و غیره سازمان داده و به تبلیغ نشریات ما اذعان داده و زود زود تجربیات نشان که از سوی جناحهای مختلف و احزاب کمیت برگزیده شود و زمینه تبلیغ وسیعی بین جمعیت موجود است. البته باید توجه داشت که شکل تبلیغ در همه جا یکسان و مشابه نیست و باید بسته به اوضاع و احوال روشها و شکل مناسب تبلیغ را بافت و یکار بست. بافت اشکال مناسب نیز از مندرجات و ابتکار بسیاری است و رفیقا هوادار باید در این زمینه توجیه لازم را مبذول دارند. چه اساساً مشاهده کرده ایم که اتحاد شکل و روشهای نامناسب برای تبلیغ ایده های امپرسیونیستی مبارز بر عکس العمل منفی توده ها گردیده است.

۳- تبلیغ و ترویج وسیع و گسترده اهمیت بسیاری دارد و لازم است محسوس فعلی سیاسی در عرصه مبارزه است. تبلیغ شفاهی و کتبی بسته به شرایط مختلف با بد بطور گسترده صورت گیرد. صحبت و بحث در کارخانه، محله، مزرعه، محل تجمع توده ها و دیگرها و حول و حولی دگمه ها و غیره در این شرایط از بد بسیار دگر گشته و خود را است و در تبلیغ ایده های صحیح در میان توده ها وسیله بسیار موثر است. در هر جا که توده ها جمع می شوند باید تبلیغ شفاهی و پراکنده، تبلیغ کتبی میتوانست با قضاوت و تدبیر و دیوارها بهش نشریه کار را اعلامیه و تراکت های سازمان و در صورت امکان تکثیر

۱- در هر کجا که هستند، کارخانه، مزرعه، مدرسه، محله، آژانس، بطور فعلی کار سیاسی را توده ها شروع کنند. در جهت سازماندهی این مبارزات و ارتقاء شعارها و کشود. هر کجا نیروهای جریان دارد در صف مقدمان قرار گیرید.

۲- در اجتماعات، میتینگ ها، سخنرانی ها، راهپیماییها و غیره سازمان داده و به تبلیغ نشریات ما اذعان داده و زود زود تجربیات نشان که از سوی جناحهای مختلف و احزاب کمیت برگزیده شود و زمینه تبلیغ وسیعی بین جمعیت موجود است. البته باید توجه داشت که شکل تبلیغ در همه جا یکسان و مشابه نیست و باید بسته به اوضاع و احوال روشها و شکل مناسب تبلیغ را بافت و یکار بست. بافت اشکال مناسب نیز از مندرجات و ابتکار بسیاری است و رفیقا هوادار باید در این زمینه توجیه لازم را مبذول دارند. چه اساساً مشاهده کرده ایم که اتحاد شکل و روشهای نامناسب برای تبلیغ ایده های امپرسیونیستی مبارز بر عکس العمل منفی توده ها گردیده است.

۳- تبلیغ و ترویج وسیع و گسترده اهمیت بسیاری دارد و لازم است محسوس فعلی سیاسی در عرصه مبارزه است. تبلیغ شفاهی و کتبی بسته به شرایط مختلف با بد بطور گسترده صورت گیرد. صحبت و بحث در کارخانه، محله، مزرعه، محل تجمع توده ها و دیگرها و حول و حولی دگمه ها و غیره در این شرایط از بد بسیار دگر گشته و خود را است و در تبلیغ ایده های صحیح در میان توده ها وسیله بسیار موثر است. در هر جا که توده ها جمع می شوند باید تبلیغ شفاهی و پراکنده، تبلیغ کتبی میتوانست با قضاوت و تدبیر و دیوارها بهش نشریه کار را اعلامیه و تراکت های سازمان و در صورت امکان تکثیر



یادگرمین و پیروزان
آزادگی و استقلال
انقلاب را با تمام
قدرت و ایستادگی

مکتب پرورش می دهد
سرورگی این ها
ویا که با خشم

سرتیول: ۱- اول شماره ۲ - شماره ۸ - شماره ۹ - شماره ۱۰

ضرورت انتشار پیشگام دانش آموز

چهارم است تا حالا در این کشور هیچ روزنامه ای که در میان دانش آموزان انتشار نیافته باشد وجود نداشته باشد. این روزنامه باید به گونه ای باشد که بتواند در میان این طبقه وسیع و پراکنده نفوذ کند و آنها را به هم پیوندد. این روزنامه باید به گونه ای باشد که بتواند در میان این طبقه وسیع و پراکنده نفوذ کند و آنها را به هم پیوندد.

چماق و چماقداری

چماق و چماقداری نماد مبارزه و ایستادگی است. در هر جا که چماق برافراشته شود، نماد مبارزه و ایستادگی است. در هر جا که چماق برافراشته شود، نماد مبارزه و ایستادگی است.

انحلال مدارس نمودی دیگران و رستگاری

سیاستهای رژیم در مدارس. انحلال مدارس نمودی دیگران و رستگاری. سیاستهای رژیم در مدارس. انحلال مدارس نمودی دیگران و رستگاری.

هر چه مستحکم تر یاد بیوند دانش آموزان انقلابی تا توده های زحمتکش

مکتب پرورش می دهد
سرورگی این ها
ویا که با خشم

پرتوان با دجنش طبقه کارگر پشته از مبارزات ضد امپریالیستی. دگر ارتیک خلقهای ایران

خبرهایی از: جنبش مقاومت خلق کرد

خودبا زگشتند.
 بانه - در درگیریهای اخیر
 اطراف بانه حدود پینجاه پاسدار کشته
 شده است و پاسداران که از این ضربه های
 متوالی جنبش خلق کرد به وحشت
 افتادند به تهران گزارش دادند که هر
 چه زودتر در مورد بمباران روستاهای
 اطراف بانه - سردشت - بوکسین و
 مهسا با اقدام خودکرامه ما پاسداران
 "انقلاب اسلامی" در کردستان نمی مانیم.
 دیواندره - بدنبال درگیری
 پاسداران و جاش ها با پیشمرگان بین
 راه دیواندره و رستای زاغه که منجر به
 کشته شدن چند پاسدار و جاش شد.
 پاسداران با پوشیدن لباس کردی به
 روستای زاغه رفتند و نمود کردند که
 از پیشمرگهای انقلابی خلق کرد هستند.
 آنها بعد از آراودیت مردم از هلسر
 خانواده هتا (هزار تومان پول طلب
 کردند. پاسداران روستا ثیا بزحمتگی
 راهتهدید کردند که اگر مبلغ مذکور
 به آنها داده نشود تمام روستا را قتل
 عام میکنند. همدم مقداری پول و
 اشیاء قیمتی روستا ثیا را غارت
 کردند، و از ده خارج شدند.

همراه با تشدید سیاستهای سرکوبگرانه
 حکومت جمهوری اسلامی در کردستان
 بلندگوهای تبلیغاتی رژیم سعی در
 وارونه جلوه دادن مبارزات بحقیق
 زحمتکشان کرد دارند، اما واقعیتهای
 ملموس جنبش خلق کرد مشت محکمی است
 بر دهان این باوه گویان و سند بیست بر
 حقانیت مبارزات حق طلبانه توده -
 های زحمتکش کرد.
 سنندج - در تاریخ ۱۹ بهمن پنج
 شبه شب جهل نفر از پیشمرگان حزب
 دمکرات به داخل شهر سنندج میروند و
 مورد استقبال توده های مردم قرار
 میگیرند. در طرف نیم ساعت حدود
 دوازده نفر دوز پیشمرگان جمع میشوند
 به راهبیمانی میپردازند. در این
 شب پیشمرگان در داخل شهر دست به
 عملیاتی زدند از جمله، ابتداجاشی را
 به گروگان گرفته و خانه اش را منفجر
 کردند و لحظاتی بعد در خیابان ششم
 بهمن سابقا پاسداران سرمایه و -
 جاشهای خود فروخته درگیر شدند. در
 این درگیری چند جاش و پاسدار کشته و
 زخمی شدند، همچنین یک پیشمرگ از
 ناحیه دست محروح شد و بقیه به پایگاه

یکصد و دهمین سالگرد کمون پارسیس

اولین حکومت کارگری جهان



یکصد و دهمین سال از کمون پارسیس و
 تشکیل اولین حکومت کارگری در جهان
 میگذرد. کمون پارسیس نمونیه
 شکوهمندترین جنبش پرولتری قرن
 نوزدهم است که با وجود همه اشتباهاتش
 پیشتا از انقلابات اجتماعی جهانسی
 بشمار میاید.

در ۱۸ مارس (۲۷ اسفند) ۱۸۷۱ طبقه
 کارگر فرانسه به همراه سایر اقشار
 زحمتکش بپا خاست و نخستین حکومت
 کارگری جهان را بوجود آورد. این
 اولین اقدام عملی وجدی طبقه کارگر
 برای سرنگونی بورژوازی و برقراری
 حکومت کارگری بود. گرچه کمون
 سرکوب شد و حکومت کارگری بیش از ۷۲
 روز دوام نیافت، ولی آموزشها که
 از تجربیات کمون بدست آمده باعث
 تکوین تئوری انقلابی دولت و
 دیکتاتوری پرولتاریا گشته و راهنمای
 مبارزات طبقاتی در طی مدوده سال
 اخیر گردید.

در سال ۱۸۵۱ لوئی بناپارت بنا
 کودتای خود به انقلاب ۱۸۴۸ پاسدار
 و فرانسه ۱۸ سال زیر یوغ رژیم
 بناپارتنی رفت. در تاریخ ۱۹ ژوئیه
 ۱۸۷۰ جنگ بین فرانسه و آلمان در گرفت
 ارتش فرانسه که از ارتش آلمان
 شکستهای سختی خورده بود در اسپتامر
 درسدان متلاشی گردید و بناپلئون سوم
 (لوئی بناپارتنی) اسیر شد. درجهت آرام
 سپتامبر کارگران و زحمتکشان پارسیس
 رژیم سلطنتی را ساقط و حکومت جمهوری
 را اعلام کردند. در این زمان دسته ای
 توطئه گر که تی پروتروشو، ژنرالهای،
 مرتجع لوئی بناپارتنی در رأس آن بودند
 بورژوازی پارسیس را اشغال کرده و دولت
 دولت "میانگلی" را که در واقع
 امارت پارسیس در جنگ بین فرانسه و پروسی
 بقیه در صفحه ۱۶

درگیری های اخیر لاهیجان

در این درگیریها دوفروشهید و عده ای مجروح شدند.

فدایان مردم با دیدن آثار یورش
 وحشیانه این افراد، مغازه ها را تعطیل
 کردند و بعنوان اعتراض ابتدا به جلو
 شهرداری و بعد جلوی فرمانداری رفتند.
 فرمانداری میخواست از مردم تعهد بگیرد
 که مانع فروش نشریات سیاسی شوند
 در ضمن گفت چماقداران را به او معرفی
 کنند. مردم که او را میشناختند و بی به
 حمله های او برده بودند، بشدت اعتراض
 کردند و گفتند "چماقدار پشت سرخسود
 شماست و از ما سراغش را میگیرید؟"
 مردم از آنجا به اداره پست رفتند تا
 اعتراض خود را طی تلگراف به مسرای
 ارگانهای دولتی بفرستند.
 روز پنجشنبه چهاردهم اسفند، بازاربان
 لاهیجان، مردم را به اجتماعی دربارا
 دعوت کردند. در این روز همقا لانژها
 به مردم حمله میکنند. منسما زده داران
 تصمیم میگیرند تا رسیدگی به خواسته
 هایشان مبنی بر دستگیری عوامل
 آشوب طلب و چماقداران، تا مبنی امنیت
 شهروجران خسارت های وارده، همچنان
 منازده های خود را به حالت تعطیل
 نگاه دارند.

درگیری های اخیر لاهیجان منجر
 به شهادت دوفرو زخمی شدن تعدادی از
 اهالی این شهر شد. در این درگیری ها
 بیست و پنج نفر نیز دستگیر شدند.
 ما چرا از این زده سفند ما بدنبال
 حمله تعدادی از چماقداران به نیروهای
 مترقی شروع شد. این عناصر به گمانی
 که نشریات سازمانهای سیاسی را می
 فروختند حمله کردند ما با حمایت مردم
 و مغازه داران محل در خیابان اصلی
 شهر - از این نیروها مواجه گشتیم
 و مجبور به فرار شدیم. سه روز بعد
 پاسداران در همان محل در دستگیری
 دودختر که نشریه های مجاهد روز چندان
 را می فروختند، برآمدند. مردم به
 حمایت برخاستند و سرانجام موفق شدند
 دخترها را از دوا پاسداران را وادار به
 عقب نشینی کنند. بعد از ظهر قا لانژها
 با چوب و چماق و سلاح به مردم حمله
 کردند و غروب نیز با شقایق افراد بسیج
 و تحت حمایت پاسداران شهر را به قرق
 خود در آوردند. آنها به دسته های چند
 نفری تقسیم شدند و هر کدام در یک گوشه
 دست به آزار مردم و تخریب زدند. در این
 حمله، در خیابان اصلی شهر حدود چهارده
 مغازه غارت شد.

بقیه در صفحه ۱۷

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر